

جوان بھائی

کلاس عالی درس اخلاق

”محض تربیت“

فهرست مندرجات

۱) جوان و ویژگی‌های فردی و اجتماعی او

۲) جوان بهائی و توانائیهای او

۳) جوان بهائی و حیات فردی و اجتماعی او

۳-۱) دوراهی روحانیت یا مادیت

۳-۲) اخذ تصمیمات قاطعه و انتخاب شغل دائم

۳-۳) دوراهی انتخاب تحصیلات یا خدمت یا مهاجرت

۳-۴) انتخاب رشته تحصیلی

۳-۵) انتخاب همسر و تشکیل عائله

۴) اهداف جوان بهائی

۴-الف) اهداف فردی

۴-الف-۱) عرفان

۴-الف-۲) کسب روحانیت

۴-الف-۳) عمل به تعالیم الهی و کسب فضائل و اخلاق بهائی

۴-الف-۴) برنامه‌ریزی جهت پرورش و استفاده از استعدادهای خداداده خویش

**) ضرورت برنامه‌ریزی

****) یاری جستن از ذیگران در جهت نیروهای بالقوه خود

*****) ضرورت تعیین هدف

*****) برنامه‌ریزی و مراحل آن

۴-ب) اهداف فردی - اجتماعی

۴-ب-۱) کسب معارف

۴-ب-۲) کسب علوم و فنون نافعه

۴-ب-۳) عبودیت و بندگی

۴-ج) اهداف اجتماعی

۴-ج - (۱) خدمت به والدین و رعایت حقوق ایشان

*) اطاعت

**) خدمت

***) احترام

****) رعایت حقوق

۴-ج - (۲) درک مقصد امر بهائی

۴-ج - (۳) خدمت به امرالله

۴-ج - (۴) خدمت به عالم انسانی

۴-ج - (۵) تبلیغ

۴-ج - (۶) تبرعات

(۵) مقام، موقف و وظایف جوانان بهائی ایران

(۶) مشکلات و مسائل جوان بهائی در عصر حاضر

۱-۶) بررسی وضعیت عصر حاضر

۲-۶) فساد اخلاقی (امتحانات اخلاقی)

۳-۶) مدگرایی و تقلید از سیئات اهل غرب

۴-۶) تعبیر غلط از مفهوم کلمه عشق

۵-۶) مشاهده فیلم‌های نامناسب و مطالعه کتب عشقیه

۶-۶) انتخاب دوستان نامناسب

۶-۷) هتك حرمت والدين

۶-۸) انحراف از هنر

۶-۹) مشکلات اقتصادی

سخن آخر

۱) جوان و ویژگی‌های فردی و اجتماعی او

دوره جوانی در مقایسه با دیگر مراحل زندگی از خصوصیات ویژه‌ای برخوردار است. سن جوانی دوران شکوفایی قوای مختلفه انسان و دوران شور و نشاط و جوش و خروش است. بر اثر نیروهای بی‌سابقه‌ای که فرد در خود احساس می‌کند و افکهای فکری جدیدی که بروی خود گشوده می‌بیند، شور و هیجان آدمی به چید اعلاء می‌رسد. در این دوران رشد همه جانبه بدن، استخوان‌بندی متحكم، عضلات قوی و خلاصه قوای جسمی جوان در نهایت قوت می‌باشد. جوان با پشت سر گذاشتن بحرانی که بر اثر رشد جسمی شریع نوجوانی پدید آمده بود، استحکامی تازه یافته و از نیرومندی بی‌سابقه‌ای برخوردار می‌شود. در حقیقت قدرت قوای بدنی، یکی از شاخه‌های سعادت انسان است که جوان در دوران شباب از این نعمت برخوردار است.

قوای ذهنی در این دوران نیز در حد بالایی از رشد است و از این نظر، جوان به حد اعلای قدرت یادگیری خود می‌رسد، به طوری که از این پس از یادگیری هیچ چیزی (مشروط به اینکه مورد علاقه‌اش واقع شود) روی گردن نیست. قوه اکتشاف در جوان پدیدار می‌گردد و خلاقیت و ابداع را ممکن می‌سازد اراده در پرتو قوه تمیز و به اتکا و تصمیمات عاقلانه و در سایه دوراندیشی حاصل از آزمایش و خطاهای آشکار و پنهان دوره نوجوانی، تا اندازه‌ای آبدیده و به همان نسبت استوار شده است.

جوان به مرحله ادراک ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی، معنوی و روحانی رسیده است؛ به طوری که گرچه هنوز ارزشها را براستی نمی‌شناسد ولی پی بردن به وجود ارزشها در افراد، وی را به اعجاب و تحسین وادار می‌کند.

قوای روحانی و معنوی جوان در مرحله بالایی از قدرت است و وسیله‌ای عالی برای جهت‌یابی او به سوی کمال است و با کوشش‌های جوان رو به ترقی و تعالی می‌رود. کافی است که شور و شوق جوانی تحت نظام درآید تا بتوان با استفاده از امکانات جدیدی که با به اوج رسیدن رشد هوش از طرفی و تعدیل حالات عاطفی از طرف دیگر پدید آمده است، جوان را به سوی تحصیل خصائص عالی انسانی و درک عالی تمسک به ارزش‌های معنوی که آخرین درجه کمال است سوق داد.

حضرت عبدالبهاء در توصیف قوای جوانی می‌فرمایند: "انسان... چون به سن بلوغ می‌رسد،

جمعیع قوای معنوی و قوای صوری او در نهایت درجه قوت جلوه می‌نماید. قوه ادراک به درجه‌ای می‌رسد که کشف حقایق اشیاء کند اما در سن طفولیت این ممکن نیست این کمالات در سن بلوغ جلوه می‌نماید، نه در سن طفولیت.^(۱)

همچنین در مورد توانایی جوان می‌فرمایند:

ای عزیزان عبدالبهاء، ایام زندگانی را فصل ریع است و جلوه بدیع. سن جوانی را توانایی است و ایام شباب بهترین اوقات انسانی...^(۲) به این ترتیب جوانان دارای قدرت جسمی، عقلی و روحی بسیار می‌باشند، به ظوری که توانایی انجام بسیاری از کارها را دارند و می‌توانند اثرات شایسته‌ای از خود به جا گذارند و خدمات شایانی انجام دهند. به این لحاظ است که بیت العدل اعظم الهی می‌فرمایند "آری جوان تواند که عالمی را به حرکت آورد."^(۳)

۲) جوان بهایی و توانایی‌های او

همانگونه که ذکر شد جوان سرشار از نیروها و توانایها و مستعد شکوفایی هر چه بیشتر استعدادهای ذاتی است، همچون دریایی که پر از ذخایر گرانبها و بی‌مانند است. مرکز عهد و پیمان الهی این سنین را بهترین اوقات زندگانی انسانی توصیف فرموده‌اند. علاوه بر این توانایی‌هایی که هر فرد جوان حائز آن است، جوان بهایی استعدادات و توانایی‌های وسیع‌تری را دارد است که این‌همه از نتایج قوه روحانی او و از ممیزه‌های روح ایمانی اوست چه بفرموده حضرت نقطه اولی هر شیء که در ظل من یظهره‌الله وارد شود به کمال استعداد خود نائل آید. جوان بهایی با استمداد از قوه ایمان خود باید توانایی‌ها و قابلیتهای خویش را سنجیده صرف تکامل روحانی و نقد عصر را وقف انجام وظایف مقدسه ملکوتی و تقدیم عبودیت به آستان الهی نماید. چه که قلم میثاق می‌فرمایند:

"خدای استعدادی را که به شما داده است برای اینست که صرف ملکوت الهی نمائید."

لهذا نگریستن به دوره جوانی از منظر بهایی برای هر جوان بهایی امری متحتم و لازم است در آثار بهایی به برخی از ویژگی‌های دوران جوانی اشاراتی رفته است که ذیلاً ذکر می‌گردد.

۱-۲) جوانی سن قدرت است.

"شبههای نیست که جوانان ما قدرت و توانایی آن را دارند که در تسبیح و تجهیز جوامع آینده در قرن آتیه سهم بسزایی را ایفا نمایند. آری جوان تواند که عالمی را به حرکت درآورد." معهد اعلیٰ^(۴)

۲-۲) جوانی سن شور و نشاط و علاقه به تحرک و نقل مکان است:

"شور و نشاط فراوان و علاقه مفرط جوانان به تحرک و نقل و مکان که از عوامل و نوامیس طبیعی آنان است ایجاب می‌نماید که تعداد کثیری از جوانان عزیز رحمانی در زمینه اسفار تبلیغی به سیر و سفر پردازند." معهد اعلیٰ^(۵)

۲-۳) جوانی سن الگوپذیری است:

'چه بسا اتفاق می‌افتد که جوانان به مشاهده یک سرمشق پسندیده از آن پیروی نمایند زیرا آنان بیش از دیگر طبقات آرزوهای بلند در سردارند و هرگاه متوجه شوند که امری صحیح و واقعاً انجام پذیر است بیش از سایرین از صمیم قلب در اجرای آن می‌کوشند. بر جوانان بهایی است که این سرمشق را به

اهل عالم بدهند". معهد اعلی (۶)

۲-۴) جوانی سن جوش و خروش است.

"جوانان بهایی وارثین متقدمین شجیع و مؤمنین اولیه امرالله که هم اکنون بار مسئولیت تاریخی به

دوش آن عزیزان پر جوش و خروش نهاده شده است." معهد اعلی (۷)

۲-۵) جوانی سن مبارزه با نفسانیات و کسب توانائی کف نفس است.

"بکرات در آثار مبارکه، راههای غلبه بر شهوت نفسانی برای جوانان توضیح داده شده و تشریح

گردیده است. از جمله آنچه جوانان را از غلبه شهوت نفسانی حفظ نماید توجه آنان به ملکوت ابهی و تلاوت آیات و الواح نورا و قیام به خدمت امرالله و اجتناب از بطالت و کسالت و از دیاد حرکت و کار و

فعالیت است." معهد اعلی (۸)

۲-۶) جوانی سن مواجهه با مشکلات و امتحانات است:

"تکالیفی که نسل جوان بهایی با آن مواجه خواهد شد و در واقع هم اکنون با آنها مواجه است بسیار

عظیم است. جوانان نباید انتظاری جز این داشته باشند که در مستقبل ایام خود را در معرض امتحانات شدید یابند. امتحانات از لحاظ اخلاق، ایمان و میزان اعتقاد و تمسمک به قوانین و احکام حضرت.

بهاءالله جل سلطانه" حضرت ولی امرالله (۹)

"جوانان عزیز که محاط به امتحانات عدیده و در معرض آفات شدیده‌اند." معهد اعلی (۱۰)

۲-۷) جوانی سن تجسس و تحقیق است:

"انسان چون به مقام بلوغ فائز شد باید تفحص نماید و متوكلاً علی الله و مقدساً عن الحب و

البغض در امری که عباد به آن متمسکند تفکر کند و به سمع و بصر خود بشنو و ببیند چه اگر به بصر غیر

مالحظه نماید از مشاهده تعجبیات انوار نیر عرفان الهی محروم ماند..." حضرت بهاءالله (۱۱)

۲-۸) جوانی سن تنویر فکر است:

"... مخصوصاً در بین طبقه جوان، زیرا در بین این طبقه افرادی که دارای فکر روشن و جویای

حقیقت باشند، بسیارند." معهد اعلی (۱۲)

۲-۹) جوانی سن شایستگی‌های ویژه است:

"بعلاوه بعضی جوانان برای انجام یک هدف مشخص و فوری شایستگی کامل دارند در حالی که

اشخاص دیگر قادر به اجرای آن نیستند... "معهداً علی (۱۳)

۲-۲) جوانی سن ترک و طرد ارزشها و موازین دنیاً قديم است:

جوانان بهايي ضمن ترک و طرد ارزشها و موازين دنياً قديم شائق و مشتاقند موازين را كه

حضرت بهاء الله وضع فرموده‌اند تحصيل نمايند و خود را با موازين مذكور منطبق سازند... "معهداً علی (۱۴)

۲-۳) جوانی سن تجهيز برای آينده است:

"بفرموده حضرت ولی امرالله اروحنا فداء دوره جوانی دوره تهيه و تدارك است و نيز خاطر نشان

ساخته‌اند که چون امرالله يوماً فيوماً در اتساع و بردايره عموميت و رسميته آن افروده می‌شود، جوانان

عزيزبه حكم اقتضائي سنی در حين ارتفاع و نصرت امرالله و اعلاه کلمة الله عهده‌دار تصدی و مسئولیت

امور امریه خواهند بود، بنابراین اگر از هم اکنون خود را حاضر و آماده آن روز فیروز موعود که وعده‌ای

حتمی الوقوع و غیر مکذوب است نمايند، البته نخواهند توانست به نحو شايسته به ايناي وظائف

محوله موفق گردند و نه تنها علت و هن امرالله خواهند بود، بلکه خود دچار خجلت و شرم‌ساري عظيم

خواهند شد." (۱۵)

۲-۴) جوانی سن آغاز تکاليف، حقوق و وظایف شرعی است.

"بلغ در سیال پانزده است نساء و رجال در این مقام یکسانست." حضرت بهاء الله (۱۶)

"تکلیف بعد از بلوغ است." حضرت عبدالبهاء (۱۷)

"راجح به سن بلوغ شرعی و بلوغ اجتماعی فرموده‌اند: میزان تکالیف شرعیه ورود به سن شانزده

و بلوغ اجتماعی ورود به سن ۲۲ است." از طرف حضرت ولی امرالله (۱۸)

۲-۵) جوانی سن تعیین مسیر زندگی و قبول مسئولیتهای روحانی است:

"... زيرا جوانان باید با قدم گذاشتند به سن ۱۵ سالگی از وظائف و مسئولیتهای روحانی خود آگاه

شوند و بدانند که از آن پس به شخصه در مقابل حق مسئول ترقی و تعالی روح و روان خویش خواهند

بود." معهداً علی (۱۹)

۳) جوان بهایی و حیات فردی و اجتماعی او

هر انسانی با ورود به دوره جوانی و پیدا کردن هویت خویش برای ایجاد زندگی مستقلی متناسب با توانایی‌ها و امکانات خود بر مبنای اصل استقلال طلبی تلاش می‌کند یعنی با توجه به اینکه جوان ارزشهای اخلاقی خاص خود را از طریق تربیت خانوادگی و تأثیرات مستقیم محیط و نیز تلاشهای فردی خویش، اخذ کرده است و برای اینکه بتواند مستقلًا به تعیین و تشکیل زندگی مبادرت نماید. مجبور و مکلف به اخذ تصمیمات اساسی در زندگی خود می‌گردد تصمیم درباره انتخاب دین و عقیده، تحصیل، شغل مناسب، همسر و... از اولویتهای تصمیم‌گیری جوان محسوب می‌گردد. جوان بهایی نیز از این قاعده مستثنی نیست که باید با دعا و مناجات و تفکر عمیق و نیز مشورت با والدین و یا دوستان فهیم و دانا و با تمسک به فصل الخطاب آثار مبارکه به انتخابهای اساسی در حیات فردی و اجتماعی خویش مبادرت ورزد. از این پس شایسته است جوان بهایی که مسئولیت حیات روحانی خویش را پذیرفته، پس از تعیین اهداف مشخص و روشن در سبیل تحقق آنها گام بردارد. اهدافی که هم استعدادهای بالقوه خداداده او را متحقق سازد و هم توفیقات لازم را در عرصه حیات اجتماعی برای او به ارمغان آورد در آثار حضرت ولی امرالله و معهد اعلی در خصوص نحوه بهره‌وری از قوا و امکانات جوانان و اتخاذ تصمیمات صحیح در جنبه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی هدایات صریح و روشنی وجود دارد که در سرفصل‌های زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد به این امید که هر جوان بهایی بتواند با مطالعه آنها و کسب بینش لازم به آنچه شایسته این ایام است و هم چنین در خورشأن و مقام او به عنوان یک مؤمن وفادار به حضرت بهاءالله است قیام نماید.

۱-۳) دو راهی روحانیت یا مادیت:

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: "مسئله‌ای که شما با آن مواجه هستید مربوط به جوانان امروزی می‌شود که برای بسیاری از آنها لایحل مانده و سخت آنان را پریشان کرده است. اچگونه روحانیت حاصل می‌گردد؟ حقیقتاً سوالی است که هر زن و مرد جوانی بایستی دیر یا زود برای آن جواب رضایت‌بخشی بیابد، لیکن دقیقاً به جهت تداشتن جواب قانع‌کننده جوانان امروزی خود را سرگردان می‌بایند و بالنتیجه تحت تأثیر قوای مادی که با نهایت قدرت بنیاد اخلاقی و حیات معنوی انسان را

ویران می‌سازد، قرار می‌گیرد. فی الحقیقہ علت عمدہ سیئات که حالیه در جامعه شایع و بسیار متداول است فقدان روحانیت می‌باشد." (۲۰)

۳-۱) اخذ تصمیمات قاطعه و انتخاب شغل دائم:

معهداً علی می‌فرمایند: "برای هر فرد جوان اعم از بهایی یا غیربهایی سنین جوانی دورانی است بسیار مهم، در این مرحله از حیات است که تصمیمات قاطعه اخذ شده و شخص بنای زندگانی خود را پی‌زی می‌نامید. در این سنین است که هر فرد به احتمال قوی سرنوشت آتیه خود را تعیین و نوع شغل و کار خود را انتخاب، معلومات خود را تکمیل و در امرار معاش تلاش می‌نماید. سپس به مرحله زندگانی مشترک وارد می‌شود و به تشکیل خانواده می‌پردازد و بالاتر از همه در این دوره است که فکر جوان بیش از هر موقع در صدد تجسس و تحقیق بر می‌آید. مبادی و موازین روحانی را که هادی رفتار و اعمال آینده انسانی است اتخاذ می‌نماید. این عوامل است که بزرگترین فرصت‌ها و بزرگترین مبارزات و بزرگترین آزمایشها را بر وجه جوانان مفتوح می‌کند." (۲۱)

۳-۲) دوراهی انتخاب تحصیلات یا خدمت یا مهاجرت:

معهداً علی می‌فرمایند: "... بسیار از این جوانان نورانی برای مهاجرت نیز پیشقدم شدند، اما در این مورد خاص برای هر یک از آنان پرسش دشواری مطرح می‌شود: آیا باید به تحصیلات خود ادامه دهند یا هم اکنون در سبیل مهاجرت قیام نمایند؟ بی‌شببه این پرسش ذهن هر جوان بهایی را که مشتاق به وقف حیات خویش به پیشرفت امر الهی است بخود مشغول می‌دارد. برای این منظور پاسخ آماده‌ای وجود ندارد که برای همه کس مصدق داشته باشد. حضرت ولی محبوب امرالله در این زمینه به افراد مختلف پاسخهای متفاوتی فرموده‌اند. بدیهی است که اوضاع و احوال خاص هر فرد معین با دیگران فرق دارد. هر فرد بهایی باید شخصاً تصمیم بگیرد که از چه طریقی بهتر می‌تواند به خدمت امرالله قیام کند."

پایام ۱۹ اکتبر ۱۹۶۸ - دستخط‌های بیت‌العدل اعظم ج ۲ - ص ۵۹-۵۸

معهداً علی می‌فرمایند: "هر کس بمجرد آنکه در سلک پیروان شریعت الهی داخل گشت باید مؤمن به بسط فعالیت در پیشرفت امرالله باشد و همه استعدادها و قوایی را که در اختیار دارد در کمال اخلاقی به خدمت این هدف غایی زندگی بگمارد. بنابراین هر جوانی ضمن توجه به ملاحظات دیگر، باید به این اصل اساسی توجه کند که آیا در حال حاضر به تحصیل خویش ادامه دهد تا در آینده مهاجری مؤثرتر و

مفیدتر گردد و یا آنکه نظر به احتیاجات فوری بوجود مهاجرین، مادامی که امکانات تبلیغی، هنوز مهیا است میل به خدمت به اشتیاق ادامه تحصیلات و تکمیل معلومات وی غالب آید. البته این تصمیم آسانی نیست زیرا غالباً روح اخلاص که محرک قیام افراد به مهاجرت است بسیار مهم‌تر از موقوفیت‌های تحصیلی است.^(۲۲)

معهد اعلیٰ می‌فرمایند: "در برخی موارد جوان بهایی آرزومند آنست که ندای حق را لبیک گفته، به خدمت امرالله پردازد ولی انجام این مهم به دلایلی میسر نیست. دلایلی مانند ناتمام بودن تحصیلات که اتمام آن را نمی‌توان و نباید به بعد موکول نمود و یا اینکه جوان استقلال مالی نداشته و والدین او نیز قادر به حمایت مالی فرزند خود در مدت خدمت و همچنین پرداخت شهریه او برای اتمام تحصیلاتش نیستند و یا مشکلات و موانع دیگر که باعث می‌شود جوان از انجام وظیفه روحانی خود محروم گردد. در موارد دیگر جوان اینطور تشخیص می‌دهد که با موکول کردن ادامه تحصیلات خود به آینده‌ای نه چندان دور و صرف وقت و نیروی جوانی خود در راه خدمت به امرالله قادر خواهد بود با دیدی بازتر راجع به آینده خود تصمیم بگیرد. در این زمینه نمونه‌های فراوان در بین جوانان وجود دارد که تشخیص داده‌اند با انجام یک سال خدمت در مرکز جهانی بهایی نه تنها خدمتی ارزنده در راه تبلیغ امرالله و یا پیشبرد اهداف و نقشه‌های این امر عظیم انجام می‌دهند بلکه در این مدت قادر خواهند بود تصمیمی نهایی در مورد برنامه آینده زندگی خود نیز اخذ نمایند. از طرف دیگر جوانان بسیاری هستند که ترجیح می‌دهند قبل از شروع خدمت، تحصیلات علمی خود را به اتمام رسانده و بعد به انجام وظیفه روحانی پردازند که بدون شک این تصمیم ایشان قابل درک می‌باشد."^(۲۳)

۴-۳) انتخاب رشته تحصیلی:

معهد اعلیٰ می‌فرمایند: "یک جوان بهایی باید به شخصه تشخیص دهد با دنبال کردن کدام رشته تحصیلی قادر خواهد بود تعادلی بین انجام وظایف مادی و معنوی خود برقرار نماید."^(۲۴)

۵-۳) انتخاب همسر و تشکیل عائله:

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: "جوانان بهایی باید از طرفی درس خودداری و تسلط بر نفس را که بدون شک اثر سودمندی بر رشد و تکامل اخلاقی و شخصیت آنها خواهد داشت، فراگیرند و از طرف دیگر باید توصیه شوند که پیمان زناشویی را در جوانی و در بحبوحه نیروی جسمانی برقرار سازند. بدون

تردید عوامل اقتصادی اغلب در راه ازدواج جوانان مشکلاتی، ایجاد می‌کند ولی در بیشتر موارد بهانه‌ای بیش نیست و بنابراین نباید زیاد بدان اهمیت داد...” (۲۵)

بنابر آنچه در هدایات مبارکه فوق ملاحظه گردید تفکر در ضرورتهای اساسی و توجه به اهداف مختلف در عرصه‌های فردی و اجتماعی حیات، جوان را مدد می‌نماید که بتواند صحیح تر و سهل‌تر اقدام به انتخاب‌های لازم نماید. در آثار بهائی نیز برای حیات فرد بهائی اهداف گوناگونی متصور شده است که توجه به آنها سبب تصحیح افکار و تغییر اندیشه‌های جوان می‌گردد. در ادامه مقال به اهداف فردی و اجتماعی حیات یک جوان بهائی از منظر تعالیم مبارکه می‌پردازیم.

۴) اهداف جوان بهائی

۴- الف) اهداف فردی

۴-الف - ۱) عرفان

بنابر تعاریم دیانت بهایی هدف اصلی از زندگی تکامل صحیح، موزون و همه‌جانبه قوای روحانی است و این عالیترین هدف ممکن به شمار می‌رود زیرا که استعدادات روحانی بخشی از روح فناپذیر را تشکیل می‌دهند و برخلاف قوای جسمانی که روبه تحلیل می‌روند همیشه باقی و برقرار خواهند ماند.^(۲۶) حالا باید دید که این استعدادات روحانی چگونه شکوفا می‌شود؟ این شکوفایی روحانی در گرو چیست؟

اولین قدم در راه ترقی روحانی آنست که بتوان بقدر مسکن بر حقائق عالم روحانی آگاهی یافت و کلید موفقیت در این امر شناسایی مظہر الهی است و از آنجائی که مظہر الهی تنها رابطه بین عالم انسان و عالم ملکوت است شناخت او اساس تکامل روحانی را تشکیل می‌دهد.

جمال مبارک در ابتدای کتاب مستطاب اقدس مؤکداً می‌فرمایند: آن اول ما کتب الله علی العباد عرفان مشرق وحیه و مطلع امره الذی کان مقام نفسه فی عالم الامر والخلق من فاز به قد فاز بكلّ الخير و الذی منع انه من اهل الضلال ولو يأتي بكل الاعمال.^(۲۷)

حضرت عبدالبهاء نیز در این مورد می‌فرمایند:

"عرفان حقيقة الوهیت ممتنع و محال اما عرفان مظاہر الهیه عرفان حق اشت زیرا فیوضات و تجلیات و صفات الهیه در آنها ظاهر پس اگر انسان پی به معرفت مظاہر الهیه برد به معرفت الله فائز گردد و اگر چنانچه از مظاہر مقدسه غافل از عرفان الهیه محروم"^(۲۸)

بنابراین مظاہر الهی قسمی از آن حقیقت قابل شناسایی را بوجود می‌آورند که با شخصیت خود خبر از جنبه روحانیت زندگی می‌دهند. جوان بهایی که به مرحله ادراک ارزش‌های معنوی و روحانی، نائل گردیده است و نیز از آنجا که اپس از بلوغ خود بشخصه در مقابل حق مسئول ترقی و تعالی روح و روان خویش خواهد بود لذا باید که در سیل این تعالی گام بردارد و اعظم وظیفه خویش در مقابل حق که عبارت از عرفان الله یا به عبارت دیگر عرفان مظاہر الهیه است را محقق سازد. و این امر میسر نه جز آنکه

به بصر و سمع خود در آیات الهیه تفرس و تفکر نماید و به معرفت مظاہر الهیه نائل شود.^(۲۹)
آثار و تعالیم مظاہر مقدسه نیز به صورت خیقی قابل رویت و ابدی باقی میماند و به انسان
کمک میکند تا بتواند در اعتقادات، طرز فکر و عمل خود نقطه اتفاقی داشته باشد. حضرت بهاءالله
میفرمایند:

"ای بندگان من، آنچه از حکم بالغه و کلم طبیه جامعه که در الواح قدسیه احديه نازل فرمودم،
مقصود ارتقاء نفس مستعده است به سیروات عز احديه"^(۳۰)

۴-الف - ۲) کسب روحانیت

روح انسان در مرحله ای از رشد نطفه در رحم، به وی تعلق میگیرد و با مرگ این تعلق قطع شده،
به بقای خود در عوالم الهی ادامه میدهد. برای تعریف حصوصیات روحانی و جسمانی انسان کلمه
"استعداد" بکار برده میشود مقصود از این کلمه اشاره به قدرتی پنهانی در انجام و پیشبرد مقاصد است.
هر فرد دارای استعدادات معنوی و روحانی است که با تلاش و مجاهدت فرد باید مورد پرورش قرار
گیرد. رشد استعدادات روحانی "تکامل روحانی" یا "روحانیت" نامیده میشود.
بیت العدل اعظم الهی میفرمایند: "... حصول روحانیت و تخلق به اخلاق و شیم بهایی از مقاصد
اولیه امر حضرت بهاءالله است و این امر بستگی به میزان سعی و کوشش افراد در تحصیل کمالات مزبور
است..."^(۳۱)

از مهمترین طرق پیشرفت فرد در جریان ترقی روحانی، تلاوت ادعیه و مناجات است در حقیقت
دعا و مناجات اعظم وسیله ارتباط با حق و اتصال به عوالم روحانی است دعا و ثنا بهترین واسطه بیان
عشق و محبت به خداوند، منتشاء ازلی و ابدی روح ماست و مهمترین اسباب حصول چنین امری ذکر
ادعیه و تفکر و تعمق در آن میباشد.

حضرت ولی امرالله میفرمایند: "چگونه روحانیت حاصل میگردد؟ حقیقتاً سؤالی است که هر
زن و مرد جوانی بایستی دیر یا زود برای آن جواب رضایت‌بخشی بباید لیکن دقیقاً به جهت نداشتن
جواب قانع کننده جوانان امروزی خود را سرگردان می‌یابند و بالنتیجه تحت تأثیر قوای مادی که با
نهایت قدرت بنیاد اخلاقی و حیات معنوی انسان را ویران می‌سازد قرار میگیرد فی الحقیقه علت عمدۀ

سیئات که حالیه در جامعه شایع و بسیار متداول است. فقدان روحانیت می باشد، تقدن مادی عصر ما - چنان علاقه و توجه بشر را به خود جذب نموده که مردم به طور کلی لزوم تفوق خود بر قوا و شرایط حیات روزانه مادی را احساس نمی کنند و برای عواملی که ما آنها را فوای روحانی می نامیم و از نیازها و احتیاجات حیات جسمانی ما متمایز است تقاضای کافی وجود ندارد. علیهذا بحران بین المللی که نوع بشر را تحت تأثیر قرار داده و گرفتار ساخته اساساً علل روحانی دارد. روح عصر ما بطور کلی روح بی دینی است. نظر انسان در مورد حیات بقدرتی خشن و مادی است که به او اجازه نمی دهد به عوالم عالیتر روح ارتقا یابد. اجتماع در این وضعیت ناسالم و غم انگیز ساقط گشته و دیانت در جستجوی اصلاح و تغییر شکل این شرایط است. زیرا هسته ایمان مذهبی آن گونه احساسات پنهانی و عرفانی است که انسان را با خداوند مرتبط می سازد. این حالت ارتباط روحانی را می توان به وسیله دعا و تفکر بوجود آورد و استمرار داد و به همین علت است که حضرت پیغمبر ﷺ اهمیت عبادت را اینقدر زیاد و شدید تأکید فرموده اند کافی نیست که یک شخص مؤمن فقط تعالیم الهی را قبول و رعایت نماید بلکه علاوه بر این شخص باید احساسات روحانی خویش را که مخصوصاً از طریق دعا و مناجات حاصل می شود در خود پرورش دهد. لذا ^{۳۲} مین بین بهایی مثل سایر ادیان الهی، اصولاً دارای خصیصه معنوی و عرفانی است و هدف اصلی آن رشد فرد و اجتماع از طریق تحصیل فضایل روحانی و کسب قوای معنوی است. قبل از هر چیز، روح انسان باید تغذیه و تقویت گردد و این تغذیه و پرورش روحانی را دعا و مناجات بهتر از همه چیز تأمین می کند.

روحانیت حقیقی به طور طبیعی نوعی از تکامل است که فقط از طریق خودآگاهی و داشتن احساس مسئولیت حاصل می گردد. حضرت عبدالبهاء در پاسخ آن عده از احباء که تحمل فشار برای تصفیه اخلاق و صفات خود به جان می آمدند با ذکر اهمیت صبر و تلاش روزانه می فرمودند: "روحانیت کم کم و روز به روز عاید می گردد" و باز می فرمایند:

"بهایی حقیقی کسی است که شب و روز بکوشد تا در مراتب وجود ترقی و صعود نماید و نهایت آروش این باشد که نوعی روش و حرکت نماید که جمیع بشر از آن مستفیض و منور گردد و نقطه نظرگاهش همواره خلق و خوی حق باشد و روش و سلوکش سبب ترقیات نامتناهیه گردد. بقدر قوه

رحمت عالمیان شود و بقدر استعداد موهبت عالم انسان گردد. چون به این مواهی موفق شود می‌توان
(۴۳)
گفت که بهایی است.^{۲۹}

چنانکه از بیانات فوق برمی‌آید یکی از علائم رسیدن به حد کمال آنست که شخص تکامل روحانی تدریجی و لزوم تلاش مداوم برای رسیدن به آن را پذیرفته باشد. در عالم روانشناسی نیز یکی از علائم مهم بلوغ روانی آنست که شخص برای رسیدن در نتیجه طاقت انتظار داشته باشد و مثلاً هدفی برگزیند که حصول نتیجه آن فوری نباشد. و چون وصول به روحانیت بالاترین و عالی‌ترین هدف انسان است البته بذست آوردن نتیجه آن نیز مستلزم دارا بودن حد اعلای بلوغ قردنی است در این مورد حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: احباء باید نظر به پستی محیط خود و دنو اخلاق و سوء رفتار نفوس در حول خود ننمایند و راضی به امتیاز و تفوق نسبی نگردند بلکه باید نقطه نظر را به اوچ مرتفع نمایند و نقطه نظرگاه را تعالیم و نصایح قلم اعلی قرار دهند آنوقت معلوم شود که هنوز از برای کل در وادی سلوک مراحل عدیده باقی مانده و طی مسافت نکرده و به سرمنزل مقصود که تخلق به اخلاق و شیم الهی است هنوز وارد نگشته‌ایم.^{۳۰}

۴- الف - (۳) عمل به تعالیم الهی و کسب فضائل و اخلاق بهایی

بالطبع این سؤال پیش می‌آید که بعد از شناسایی مظاهر الهی چه مرحله‌ای خواهد بود؟ در این مورد نیز حضرت بهاءالله پس از ذکر ضرورت عرفان الهی به وضوح می‌فرمایند: "اذا فزتم بهذا المقام الاسنى والافق الاعلى ينبغي لكل نفس ان تبع ما امر به من لدى المقصود لما نهما معاً لا يقبل احدهما دون الآخر"^{۳۱}

به این ترتیب با آنکه شناسایی مظاهر الهی به کل الخیر تعبیر شده ولی برای نیل به تکامل روحانی، شناسایی به تنها ی کافی نیست بلکه کوشش برای رسیدن به معیارهای اخلاقی، فکری و عملی که در دستورات و احکام مظاهر الهی، گنجانده شده است نیز جزو عوامل اصلی به شمار می‌رود و از مرحله تکامل جدا نیست.

لزوم کوشش برای نیل به ترقی روحانی را می‌توان در خلال تعالیم بهایی یافت، حضرت بهاءالله در یکی از آثار خود چنین می‌فرمایند: آفریننده یکتا مردم را یکسان آفریده و او را بر همه آفریدگان بندگی

داده پس بلندی و پستی و پیش و کمی بسته به کوشش اوست هر که بیشتر کوشد بیشتر رود.

حضرت ولی امرالله می فرمایند: "معرفت مظہر ظہور اگر ثمر و نتیجه اش حسن سلوک نباشد از نفوذ و تأثیر محروم و نزد اهل دانش و ارباب بصیرت قابل اعتنا نبوده و نیست چه که این معرفت، معرفت حقیقی نه بلکه حرف توهمند و تقلید است... فتح و ظفر در این قرن انور نصیب مؤمن نیک رفتار است. نه عالم بدکردار..." (۳۵)

همانگونه که ذکر شد در سنین جوانی تمام قوادر نهایت خود ظاهر و باهر است از یک طرف غلبه بر شئون نفسانی و جسمانی و از سوی دیگر اکتساب شئون رحمانی اعظم وسیله صیانت و محافظت جوان بهایی از مفاسد رایجه اخلاقی است. از آنجا که تکوین شخصیت تا سنین جوانی به مقدار قابل توجهی، خودبخود و بدون آگاهی فرد صورت گرفته است اما به محض وصول به مرحله جوانی و حصول بلوغ فکری و اجتماعی، جوان با تلاش در سبیل شناسایی حقیقی خود می تواند به بسیاری از جنبه های قوت و ضعف شخصیت خویش پی برد، در برقراری و تعادل بین جنبه های روحانی و شخصیت خود تعادل بوجود آورد. این آغاز استحاله و یا تکاملی است که جوان بتنها یی مسئولیت آنرا باید به عهده گیرد. تا این مرحله اختیار تکامل و رشد جوان مقدمتاً تحت تأثیر دیگران اعم از خانواده، اجتماع، مربی، همسالان و غیره بوده است و با آنکه آگاهانه در مسیر آن همکاری بخارج داده است اما بطور کلی این جریان اکثرآ خارج از اختیار و اطلاع-وی صورت گرفته است.

بعد از این مرحله جوان خود با اتكاء به خودآگاهی و نیروی اراده باید عامل مؤثر تکامل خویش باشد و با بکار بستن احکام و اوامر الهی به خویشن سازی پردازد. این جریان خویشن سازی مرحله ای جدید و مهم در زندگی جوان بهایی محسوب می شود. خویشن سازی و تربیت نفس احتیاج به زمان و تحمل برخی مراتتها و سختی ها دارد. جوان بهایی که واجد ازاده قوی و عزمی راسخ و نیز به موهبت ایمان به جمال مبارک فائز باید همت نماید تا فضائل و خصائص بهایی را دثار خویش ساخته با ممارست دائمی در کسب حیات بهایی و تکامل روحانی، هم سبب تقریب خویش به آستان الهی شود و هم بدین وسیله همگنان غیرپایی خود را به شریعت الله هدایت نماید.

نتیجه تکامل و ترقی روحانی و حصول روحانیت در فرد بهایی لزوماً بایند اراده ای قوی و عزمی

جز در اجرای فرامین الهی و کسب فضائل روحانی باشد چه در غیر این صورت این روحانیت چیزی

جز احساسات زودگذر نبوده و بر رشد و تعالی انسان تأثیری عمیق نبخشد به عبارت دیگر ترقی روحانی مرحله خاصی از تربیت است که طی آن شخص قبول مسئولیت کرده و به آن وسیله روشی مناسب برای طرز افکار، احساسات و اعمال خود می‌یابد و بالاخره واقعی ترین شکل استعدادهای نهانی خود را پیدا می‌کند. رشد کامل هماهنگ و صحیح استعدادهای روحانی یعنی آنکه این استعدادها را چنان در خود پرورش دهیم که بتوانیم با کفايت و حساسیت هر چه تمامتر اراده الهی را پذیریم تکامل روحانی به ما می‌آموزد که چگونه خواست خود را به اراده الهی تطبیق داده آنرا در اعمق ضمیر خود جایگزین سازیم.

حضرت ولی محبوب امرالله می فرمایند:

ما باید کاملاً منقطع بوده و تابع اراده الهی باشیم چنانکه هر روز و هر لحظه تنها به آن چیز عمل

کنیم که خدا از ما خواسته است و طبق اراده او عمل نماییم. (۳۶)

و نیز می فرمایند: هدف غائی حضرت بهاءالله آن است که افراد جدیدی خلق شوند یعنی مردمی نیکوکار، مهربان و باهوش و صدقیق که بر مبنای احکام و موازين این امر اعظم که در این مرحله جدید تکامل عالی انسانی ظاهر شده عمل نمایند. خود را بهایی نامیدن کافی نیست بلکه باید در تمام وجودها آثار حیات بهایی نمودار باشد. (۳۷)

بنابراین فقط از طریق تکامل شخصی و در پایان سفری که از مرحله شعور آغاز گشته و از پنهان اخلاقیات گذشته و به روحانیات رسیده است؛ سعادت واقعی حاصل می‌گردد.

جوان بهایی که مراحل طفولیت و نوجوانی را طی نموده و به واسطه بلوغ فردی و اجتماعی به مرحله‌ای از اراده و عزم در اجرای آمال و مقاصد خود نائل شده، باید که آگاهانه مسئولیت تکامل روحانی خود و اتصاف به فضائل و سنتوحتات رحمانی را پذیرد در واقع تا این مرحله از زندگی اختیار رشد و تکامل فرد مقدمتاً در دست دیگران بوده است اما از این پس حرکت آگاهانه وی شاخص میزان توفیق شخص در وصول به مراتب عالیه حیات بهائی است.

۴-الف - (۴) برنامه‌ریزی جهت پرورش و استفاده از استعدادهای خداداده خویش:

* ضرورت برنامه‌ریزی

برای اینکه جوان بتواند هر چه بهتر به هدف خود و اصل گردد و از قوا و استعدادهای خود در این

راه استفاده صحیح نمایند لازم است برنامه‌ای منظم داشته باشد، برنامه ریزی کمک می‌کند تا راه هموارتر و مسیر مشخص‌تر باشد. اگر جوان نداند چه می‌خواهد انجام دهد کارش مشکل و پیچیده خواهد شد.

برنامه‌ریزی به او کمک می‌کند تا در زمانی بهترین نتیجه دست یابد.

زمانی که جوان به استعدادات و نیروهای بالقوه اش پیش می‌برد و با برنامه‌ای مناسب به قصد ظهر و بروز آنها در مسیر تعالی روحانی خویش تلاش می‌کند، هدف از زندگی در این عالم را دریافت، هر چه بهتر می‌تواند در ایفای وظایفش در قبال خود و جامعه بکوشد و علاوه بر پیشرفت‌های خود حضور فعال و مؤثری در پیشرفت‌های اجتماعی نیز داشته باشد.

**) یاری جستن از دیگران در جهت هدایت نیروهای بالقوه خود:

برای اینکه جوان هر چه بهتر و بیشتر بتواند قابلیتها خود را بشناسد و آنها را در مجاری صحیح به راه اندازد، لازم است علاوه بر سعی و کوشش خود، از دیگران نیز در این زمینه یاری بگیرد و با آنان مشورت نماید مربپانی که با جوان در ارتباطند و نیز والدین، می‌توانند مشاوران و یاری دهنده‌گان خوبی برای او باشند و سهم مهمی را در جهت باروری قوای جوان داشته باشند.

معهد‌اعلى می‌فرمایند: "جوان بودن آسان نیست، اوقات و قوای جوان متوجه رفع حوائج گوناگون است. جوانان نه تنها برای ایفاء وظائف زمان حاضر فراخوانده شده‌اند بلکه باید خود را برای انجام مسئولیت‌هایی که تا آخر زندگانی با آنان همراه است آماده نمایند. برای آنکه بستجد و دریابید که چگونه اوقات خود را به این فعالیت‌ها اختصاص دهید، می‌توانید به مشورت با والدین و دوستان خود و با مؤسسات نظم اداری که اساس الهی دارند متولّث شوید." (۳۸)

حضرت ولی امرالله در خصوص تعلیم جوانان می‌فرمایند: "...بدون تردید تعلیم جوانان دارای اهمیت فراوان است، زیرا این امر... قوا و استعدادشان را در مجاری مغایر و پرارزش معطوف می‌دارد." (۳۹)

**) ضرورت تعیین هدف:

گذشته از کمکی که جوان می‌تواند از دیگران، در جهت باروری قوای نهفته‌اش در مسیری صحیح

بگیرد، مؤثرترین راه برای بکارگیری نیروها در مسیری مثبت، پایین‌بند بودن به هدف، والو عقیده‌ای

محکم است زیرا در چنین شرایطی است که می‌توان اطمینان داشت نیرو و قدرت جوان در مجرای صحیح بجریان افتاده و الاترین و محکم‌ترین عقیده، اعتقاد به منبعی الهی است: زیرا جوانان تنها در تجربه هدایت چنین منبع فیاضی می‌توانند به استعدادها و خواسته‌های خود جهت مثبت دهنده در واقع شناسایی حق و اعتقاد به او، مهمترین هدف زندگی هر فرد جوان است. اگر کسی به هدف از خلقت خود که همان عرفان مظہر ظهور و ایمان و اعتقاد قلبی به اوست، پی برد، می‌تواند اعمال خود را در مسیر صحیح پیحریان اندازد زیرا ایمان منشاء اعمال است و اعتقاد به اصلی اصول و الهی موجب ظهور اعمال مرضیه می‌گردد. بیت عدل اعظم الهی می‌فرمایند: "... می‌وهبتم اعظم از این نیست که در عنفوان شباب، به مقصد از خلقت خویش پی بریم و شناسایی جمال رحیم و عبودیت آستان یزدان را هدف زندگانی در این جهان فانی قرار دهیم و امور دیگر از قبیل ترقیات ظاهره و نیل به مقامات عالیه، حتی کسب درجات علمیه را وسیله فوز به آن مقصد اسنی و هدف اعلی شماریم. اگر چنین نباشد هر که باشیم و به هر جا بزیم، از فوز به سعادت حقیقی و ترقی در جمیع عوالم الهی، محروم مانده‌ایم و بر عکس اگر حوادث روزگار و عدم امکانات، ما را از وصول به آن مقامات و آن درجات و امتیازات محروم نماید، چون به عزفان فائز و به عبودیت حضرت احادیث عامل باشیم، به مقصد حیات نائل و به بزم قرب ولقاء واصل گشته‌ایم".^(۴۰)

حال که به ضرورت برنامه ریزی و استعانت دیگران، در این سنبل و اتخاذ هدف والا در زندگی وقوف حاصل گردید، مطالبی چند در باب برنامه ریزی، اموزی و مهارت زندگی جوان بهایی طریق می‌گردد:

*****) برنامه ریزی و مراحل آن:

برنامه ریزی:

امروزه نظم و ترتیب و برنامه ریزی برای اوقات زندگی، از اهمیت خاصی برخوردار است و برای پیشرفت هر چه بیشتر و رهایی از بطلالت، لازم است که جوانان کارهای خود را بر اساس نظم و انضباط انجام دهند.

با نگاهی به طبیعت درمی‌یابیم که مهمترین قانون حاکم بر آن نظم است. روز و شب، فصول مختلف سال، چرخش منظم سیاره‌ها، نظام تولد و مرگ، خواب و بیداری همه و همه نشانه نظمی

بی همتا است و انسانها نیز تنها در پناه نظم است که به بهترین نحو قادر به انجام کارهای خود می شوند.
حضرت ولی امرالله می فرمایند،

"... انتظام و روش صحیح به هر نوع بی‌جسمانی و اخلاقی و یا عقلانی فی الحقیقہ لازم و ضروری است و هنچ تربیتی را نمی‌توان کامل و مفید تلقی نمود، مگر اینکه این اصل اساسی در آن مرجعی گردد..." (۴۱)

مفهوم از ایجاد انضباط در زندگی، کم کردن و یا از بین بردن آزادی نیست، بلکه منظور، آزادی توأم با نظم و ترتیب است که آگاهانه و با اختیار خود می‌پذیریم. موقفترين افراد کسانی هستند که در سایه نظم، با صرف کمترین میزان انرژی، بیشترین بهره را می‌برند دقایقی از اوقات گرانبهایشان را صرف برنامه‌ریزی می‌کنند و همیشه می‌دانند چه باید بکنند. از این طریق می‌توان از اوقات بالرزش خود نهایت استفاده را نمود و از اتلاف آن به امور نامتناسب جلوگیری کرد. بسیاری از جوانان به علت عدم استفاده مناسب از اوقات خود، مقدار زیادی از نیروی سازنده و مفیدشان را هدر می‌دهند. ^{*}William James^{*}، روانشناس مشهور به تخمین می‌گوید مردم تنها از یک دهم ($\frac{1}{10}$) امکانات بالقوه خود استفاده می‌کنند. وی می‌گوید که مردم می‌دانند که در هر روز نیروی زیادی در آنها وجود داشته که صرف نشده. اشکال اینجاست که نمی‌دانیم چه می‌توانیم باشیم. آتش خود را خاموش می‌کنیم و نیروهایمان را هدر می‌دهیم و تنها از بخش کوچکی از منابع ذهنی و جسمی خود استفاده می‌کنیم. جالبترین نکته در مورد توانایی افراد در تنظیم کارهای خود، این است که خواستن توانستن است. مهمترین عامل مورد نیاز برای موفق شدن، خود فرد است. می‌نظمی و عدم استفاده صحیح از وقت ذاتی نیست، بلکه یک عادت است و عادتها را می‌توان تغییر داد. برای دستیابی به این خواست باید مصمم بود و تنظیم برنامه نمود.

برنامه‌ریزی صحیح و اجتناب از بطالت، مستلزم رعایت نکاتی می‌باشد که به چند مورد از آنها

اشاره می‌نمایم:

* William, James

تعیین هدف:

مشخص شدن هدف از مهمترین مراحل برنامه‌ریزی است. هدف را می‌توان به دو نوع بلند مدت و کوتاه مدت تقسیم نمود.

اهداف بلند مدت، بیشتر مربوط به کل مسیر زندگی است، به طوری که فرد جوان باید دریابد که چه استعدادهایی دارد، به انجام چه اموری علاقمند است و توانایی اقتصادی، ذهنی و جسمی کدامیک از کارها را دارد. سپس بعد از سنجش کلیه جوانب، با در نظر گرفتن اولویت‌ها برای انجام دادنشان اقدامات لازم را بنماید مثلاً جوانی می‌خواهد هنر نقاشی را فراکردد و در ضمن می‌خواهد تحصیل را نیز ادامه دهد و مایل است خرفه‌ای را نیز فراگیر و در کنار این موارد به خدمات امری هم بپردازد. وقتی اهداف بلند مدت او مشخص شد، سعی می‌کند برنامه خود را به نحوی تنظیم نماید که بتواند به همه این امور دست یابد و در آینده فرد موفقی گردد.

به این ترتیب، هر جوان، نیازمند به دو نوع برنامه‌ریزی است. یکی برنامه کلی و هدفدار، که چه تصمیم‌هایی برای زندگی خود دارد، و یک برنامه جزئی و روزانه، در جهت اجرای برنامه کلی. حضرت روحیه خانم می‌فرمایند: "ابتدا بایستی طرح کامل تهیه شود و بعد جزئیات عمل گردد. چنانچه حضرت ولی امرالله، اوّل طرحی از تمام افکار می‌ریختند و بعد جزئیات را تعقیب می‌فرمودند."^(۴۲)

تطابق برنامه‌ریزی با توان و قدرت فردی

اگر برنامه‌ها فشرده و سنگین و خارج از توان فردی جوان باشد، ممکن است با عدم موفقیت مواجه گردد و همین عدم توفیق در انجام امور برنامه‌ریزی شده، به تدریج باعث نامیدی و دلسربدی فرد می‌شود و در ذهن خود برنامه‌ریزی را امری ناموفق و غیرممکن برای انجام کارها می‌پنداشد. بنابراین مهم‌ترین امر در تنظیم یک برنامه خوب و روزانه، توجه به توان بدنی و فکری خوبیش است.

اراده و تلاش در انجام امور برنامه‌ریزی شده

نیروی اراده مانند عضله انسان است که اگر از آن استفاده شود، قویتر می‌گردد و اگر بدون استفاده ماند، ضعیفتر می‌شود. اگر جوان چند روز کارها را بر طبق برنامه تعیین شده انجام دهد، این امر به

صورت یکی از عادات مثبت او درمی‌آید در انجام صحیح این کار، لازم است از تفکرات منفی، نسبت به توان و نیروی خود چشم پوشید و تمام همت و اراده را به کار انداخت.

جناب اشرف خاوری زمانی که در کلاس عالی تبلیغ مشغول تدریس به محصلین خود بودند، فرمودند، چون حضرت بهاء‌الله جل جلاله، حرف نفی را از اول اثبات برداشتند، من از حرف "نون" بدم می‌آید. هرگز به من نگوئید نمی‌دانم، نمی‌خواهم، نمی‌توانم و امثال ذلک. بلکه باید بکوشید، بجوشید، بفهمید، تفکر کنید، تعمق کنید، تا استعدادی که حق در شما و دیعه نهاده، آشکار سازید. از کجا معلوم است که هر یک از شما طاهره زمان یا مشابه سایر اصحاب نباشد؟ جد و جهد کنید که اگر به آن مقام نرسیدید، بالنسبه به خود، طاهره زمان گردید، پس بگوئید می‌توانم و انجام خواهم داد.

پیام بهانی شماره مخصوص جناب اشرف خاوری

سرعت عمل و اجتناب از سستی در انجام برنامه

برای اینکه امور مختلف، به طور منظم و طبق برنامه پیش برود، لازم است از هرگونه سستی و اتلاف وقت، اجتناب نمود و هر کاری را در مدت زمان خودش انجام داد. حضرت روحیه خانم در خصوص سرعت عمل حضرت، ولی امرالله در انجام امور اشان می‌فرمایند: "در هر امری که اراده می‌فرمودند، دیگر صبر نداشتند، مگر آنکه به زودی و فوری انجام دهند."^(۴۲)

و باز در خصوص حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: "در این حدود ضرب المثلی است که هر کس خاتم حضرت سلیمان را در دست داشته باشد، چون آن را بچرخاند، به یک چشم به هم زدن آنچه می‌خواهد انجام می‌گیرد. بنابراین کارگران عرب چون می‌دیدند که در ظرف چند ساعت، قطعه‌ای از کوه به گلستانی باشکوه تبدیل می‌یافتد، می‌گفتند حضرت شوقی افندی، خاتم سلیمان در دست دارند. خیلی سخت است که انسان بفهمد و بداند چرا برخی مردمان، امور را دیر و با کمال تأثی انجام می‌دهند."^(۴۳)

مقصود از سرعت عمل داشتن، کار کردن با حداقل کارآئی در تمام مدت روز و در تمام لحظات بدون لحظه‌ای استراحت و آرامش نیست، بلکه منظور این است که هنگام کار باید واقعاً کار کرد و هنگام استراحت، آرامش و راحت داشت انجام دادن این دو کار با هم، خطأ است. یعنی هر فرد، در هر لحظه‌ای، تنها به همان موضوعی که می‌خواهد انجام دهد فکر کند نه به چیز دیگر.

۴- طبقه‌بندی اهداف فردی- اجتماعی

۴- ب- ۱) کسب معارف

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: «چه ندایی گویا نزدیکی خدا! حضرت بهاءالله، مظہرالله در این زمان قادر است که هیئت اجتماعیه را دگرگون سازد»^(۴۵)

در این مرحله بحران از نتایج عالم انسانی که اکنون ممل از اتخاذ چاره مناسب برای حل مشکلات عالم مأیوس گشته، در سرگردانی و اضطراب بسر می‌برد. تنها استقرار تعالیم امر بهایی می‌تواند راه نجات و زمینه رشد و تکامل اجتماع کنونی را تضمین نماید. برای نیل به این مقصد به عهده اهل بهاء علی-الخصوص جوانان است که با مطالعه آثار مبارکه و خواص و تعمق در معارف امریه موفق به درک حقایق اعلیه امر مبارک گردیده، موجبات آگاهی اهل عالم از تعالیم مبارک را فراهم آورند.

حضرت ولی امرالله در این باره چنین می‌فرمایند: «دینا دچار اوضاع مهیب و مدهشی است اگر یاران بنا است به وظیفه‌ای عامل گردند و داروی شافعی الهی را به عالم انسانی اهدا نمایند باید برای انجام وظایف عظیمی که در پیش دارند آماده بشوند. این نکته به نحو شخص متوجه جوانان است. جوانان بهائی از دختران و پسران باید در تعالیم الهیه تعمق دقیق فرمایند و مسائل را عمیقانه تحصیل کنند تا بتوانند به تشریف امر الهی موقق شوند و مردم را اقناع کنند که مشکلات آنان حل شدنی است و راه حل در دست آنان است»^(۴۶)

و نیز می‌فرمایند: «ما به فضلای بهایی احتیاج داریم، ته تنها به کسانی که درک و دانش بسیار عمیقی از تعالیم امری داشته باشند بلکه به افراد اهل مطالعه و تحصیل کرده، افرادی که بتوانند تعالیم بهایی را با افکار جاری زعمای جامعه مرتبط سازند و پیوند دهند»^(۴۷)

کسب معارف نه فقط از حیث ضرورت آمادگی برای هدایت اهل عالم و نجات نوع بشر از علل مستولیه کنونی از اولویتهای اساسی زندگی جوان بهائی محسوب است بلکه به لحاظ حفظ او از عوارض مستولیه آین مدنیت مادی امری لازم و متحتم است بتوانی که مطالعه و مذاقه در آثار الهیه جزء لاینکی برنامه روزانه جوان بهائی قرار گیرد. معهد اعلی در این خصوص می‌فرمایند:

«اما از وظایف مهمه اولیه جوانان عزیز بهائی، آنکه باید در بحر آثار و معارف امریه مستغرق شوند و هر روز لااقل دقایقی از حیات خویش را مرتباً منظماً مصروف تحصیل و مطالعه الواح و آثار مبارک

نمایند تا به برکت آن نسائم روح بخش مرأت قلوبشان از غبار عوارض مستولیه این مدنیت مادیه مصّفا و پاکیزه گردد و قابل تجلی حقائق مکنونه مودعه در آیات نازله و صحف قیمه شود. (۴۸)

و اما ضرورت دیگر کسب معارف، آمادگی جوانان برای انجام خدمات مؤثیر به امرالله است.

معهد اعلی می فرمایند: "بطور یقین شما جوانان عزیز در آینده نیز مصدر خدمات عظیمه و فتوحات باهره در سراسر کره ارض خواهد بود و البته این امر اعظم جز با آگاهی دقیق به اصول و معارف امریه ممکن و میسر نیست." (۴۹)

۴- ب - ۲) کسب علوم و فنون نافعه

اکتساب کمالات و فضائل روحانی و علمی، افراد جوان را قادر می سازد که به نحو بهتری برای نشر نفحات و هدایت نفوس آمادگی یافته، هر چه بیشتر در جهت پیشرفت اجتماع، سعی موافر مبذول دارند.

"آئیه امر الہی بر شانه جوانان امروز مستقر و مؤسس است بنابراین باید آنان تربیت و تعلیم صحیح یابند و آن نه تنها در مورد تعلیم این امر اعظم است بلکه شامل کمالات و فضائل صوری و مادی نیز خواهد بود بنابراین علاوه بر اکتساب آثار امری، لازم است به تحصیل علوم مادی نیز توجه شود. هر چه جوان بیشتر در کسب علوم مادی بکوشد بصیرتش بیشتر می شود و آگاهی اش از امور مختلفه از دیاد می یابد. این امر دو نتیجه کلی در بر دارد: یکی اینکه می توان با افراد تحصیل کرده به راحتی ارتباط برقرار نمود و از طریق آشنایی با طرز فکر آنها، پیام الہی را بهتر به سمع آنان رساند این است که تحصیلات دانشگاهی و از دیاد آگاهی علمی می تواند حائز اهمیت بسیار باشد. حضرت ولی امرالله می فرمایند: برای جوانان بھائی از ذکور و اناث تعلم کامل در دانشکده ها که صاحب مقام و موقعیت عالیه هستند همانقدر دارای اهمیت و ضرورت است که تعلیم و تربیت در مسائل روحانی لازم و منتحم می باشد. جنبه فکری و روحانی هر جوان بھائی قبل از آنکه بتواند ب نحو اکمل در دایره خدمات امریه وارد گردد باید مورد بسط و تقویت قرار گیرد." (۵۰)

و نیز می فرمایند:

حائز

"امر تبلیغ در مدارس عالی و دانشگاهها اهمیت بسزایی است... بدیهی است که این کار بایستی

صرفاً به اهتمام اشخاصی، که خود تربیت دانشگاهی، دارند و بالمال به طرز تفکر و ذهن جوانان تربیت شده هوشمند آشنا می‌باشد، انجام می‌پذیرد... تهضیت بهایی به یقین مبین احتیاج به نفوس تعلیم و تربیت یافته و قد اکار دارد تا تعالیم الهی را باعمر و قلم خویش در سراسر عالم ترویج و منتشر سازند." (۵۱)

نتیجه دیگر کسب علم، در جهت عرضه خدمتی مؤثر و مفید به جامعه می‌باشد زیرا جوانان با استفاده از معلومات و تخصص که به آن دست می‌یابند با انجام خدمات صادقانه می‌توانند در ایجاد جامعه‌ای مترقی و سعادتمند سهم مؤثری را ایفا نمایند.

معهد اعلیٰ می‌فرمایند:

"اکنون با کمال اشتیاق از جوانان عزیز دعوت می‌شود با عشق سرشار و امید فراوان... در کسب علوم و فنون بکوشند و در تحصیل حرف و صنایع، سعی بلیغ مبذول دارند تا بوسیله آنها بتوانند به نحو بهتری به حق و خلق خدمت نمایند." (۵۲)

۴- ب - ۳) عبودیت و بندگی

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"باید ایام عمر را در آنچه سبب قریبت درگاه کبریاست بگذرانی، قریبت حق در بلندی و پستی نه، بلکه در تربیت و تبلیل و تصرع و بندگی احباء الهی، هر چه به این عبودیت بیشتر موفق گردی، قریبت الهی بیشتر میسر گردد و به حق نزدیکتر شوی. تا توانی به صفات و اخلاقی معرفت شوکه به کلی در سبیل الهی محو و فانی شوی. یعنی اثر وجود در تو نماند. کالمیت بین یدی الغسال یحرّکه احکام الله باراده من الله. معنی کالمیت بین یدی الغسال، این است که به کلی خواهش و نیتی و فکری و ذکری از برای انسان نماند و فانی در تعالیم الهی گردد و مفتون اوامر رحمانی، یه این قوت متحرک گردد و یه ان تعالیم، عامل شود، به آن اخلاق متخلق. این است مقام فنای في الله و بقای بالله و عليک البهاء ع" (۵۳)

عبودیت طریقی به سوی عظمت و جلال ابدی است. بدین علت است که حضرت عبدالبهاء مقام عبودیت را بسیار تمجید و ستایش فرموده‌اند و همواره این مطلب را در نظر داشتند که اگر نقوی انسانی مقامی غیر از عبودیت بجویند و خود را برای خدمت به ابناء نوع خود حاضر ننمایند، هنوز به مقام عظیم انسانی واقف و آگاه نگشته‌اند. حضرت عبدالبهاء وجود مقدس خود را با عبودیت سیرشته

بودند و آن را غذای روح پاکشان می‌دانستند و می‌فرمودند "فَوَ عِزَّتِكَ إِنَّ حَلْوَةَ الْعُبُودِيَّةِ بِرُّزْقٍ رُّوحِيٍّ"
تجلى این عبودیت محضه در هر نگاه و حرکت و عمل هیکل مبارک، ظاهر و عیان بود. حضرت
عبدالبهاء با مثالی که از زندگانی خود ارائه فرمودند، مارا به معیارهای عالی دعوت نمودند و همواره از
ما خواسته‌اند تا کسی را خوار نشماریم، در بیانی می‌فرمایند: "رمز تسلط بر نفس از یاد بردن خویشن
است".^(۵۴)

زندگی جوان مشحون از توانائی‌ها و سرشار از استعدادهای گوناگون است موقعی که پیش‌رفتها و
کامیابی‌های گوناگون نصیب جوان می‌گردد، فراوان است. این فرصتها و امکانات نباید سبب غرور و
استکبار جوان گردد چه که حضرت عبدالبهاء جز محظی و نیستی و فنای محضه برای ما نخواسته‌اند.
بنابراین هرگز نباید بخاطر چیزهایی که داریم از قبیل ثروت، حسن و جمال ظاهري، داشتن معلومات
علمی یا امری، افتخارات ورزشی یا هنری، مقام و موقعیت والدین، برخی محسن اخلاقی و یا حتی
موقفيت در برخی از خدمات امری، خود را به سایر جوانان بهایی برتری دهیم و ذره‌ای غبار غرور بر
ذهن ما نشیند شخص مغorer هم چون درنده‌ای است که هر چه ارتفاع پروازش بیشتر شود، در نظر آنان
که در زمین زندگی می‌کنند، کوچکتر می‌شود. تنها زمانی می‌توان به مقام عبودیت و بنده‌گی دست یافت
که از خود فانی و در حق باقی گردیم و مقصد از فنا نه فنای ظاهري بلکه فانی شدن از اراده و خواست
خود است یعنی در برابر آنچه حق فرموده تسلیم محض باشیم و اراده‌ما، اراده او باشد. جناب کلیی آیوز
در خاطرات خود می‌نویسد:

"حضرت عبدالبهاء خیلی خیلی کم کلمه من را بر زبان می‌راندند. غالباً در خطابات مبارکه شنیدم
که می‌فرمودند، عبدالبهاء. گویی عبدالبهاء غیر از ناطق است. هرگز به خویشن اشاره‌ای نمی‌فرمودند و
حتی یک مرتبه در یکی از خطابات عمومی، خود در نیویورک فرمودند که کار به جایی خواهد رسید که
استعمال کلمه من کفر خواهد شد."^(۵۵)

جوانانی که از خرمن معارف علمی و امری توشی برگیرند و بر بار دانش خود می‌افزایند چون
شاخه‌های باروری می‌شوند که سر تعظیم فرود می‌اورند و می‌دانند که هر چه در کسب دانش عمیق تر
گردند همانند رودخانه پر عمقی می‌مانند که آرامتر است و کسی که لحظه‌ای دزنگ کند و به خود مشغول
گردد و خود را برتر بیند، قصور ورزیده است.

۴- ج) اهداف اجتماعی

۴- ج- ۱) خدمت به والدین و رعایت حقوق ایشان

در امر بهایی اول امنی که پس از عرفان حق وظیفه مُؤمنین مقرر گردیده است، اعزام و احترام والدین و رعایت حقوق ایشان است. چنانچه حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"حقوق ابین مراد حکوم رب الثقلین است و رضایت الهیه بدون رضایت پدر و مادر ممتنع و محال." (۵۶)

پدر و مادر که به سائقه عشق و محبت حقیقی جمیع قوا و استعدادات خود را فدای رشد و ترقی اولاد خویش می‌نمایند باید که در جمیع احوال رعایت حقوق ایشان را ت مؤذد و ذر تحصیل رضایت آنان و تسیر خاطر آنها به هر لحاظ ممکن اقدام نمود: این امر سبب قوام و تحدیث و الفت واحد خانواده گردیده و جاذب تأییدات و برکات رب البریه برای فرزندان و عموم افراد عائله خواهد شد.

از طرفی راه مناسب در ارضاء نیازهای عاطفی و روانی جوانان ایجاد اعتماد متقابل و برقاری رابطه‌ای مشفقاته با والدین است از آنجاکه خانواده مهمترین پناهگاه برای جوانان است اساس آن باید بر مبنای دوستی و شفقت بنا شود تا در این محیط امن، امکان هرگونه تبادل و تفاهم و صمیمیت فراهم آید. برای ایجاد چنین فضای گرم و تفاهم آمیزی، جوانان باید به محبت و دلسوزی والدین خود اعتماد داشته باشند و به معاذیر مختلفی چون عدم ادراک واقعیات زندگی جوانان و یا عدم اطلاع ایشان از مقتضیات زمانه از مشورت با ایشان و در میان گذاشتن مشکلات خود با آنان، نسبتازنند، چه که این امر سبب می‌گردد روزبروز فاصله بین جوان و والدین او بیشتر شود و از آنجاکه جوان تیاز دارد افکار و احساسات خود را با کسی در میان بگذارد، بیشتر به دوستان و همسالان خود که نه تنها تجربه کافی در حل مشکلات ندارند بلکه به واسطه عدم احاطه و اطلاع از بسیاری از جریانات زندگی، قادر به حل مشکل خود نیستند، چه رسد به اینکه مشاکل سایرین را حل نمایند! این امر سبب دور شدن تدریجی جوان از خانواده و از دیاد معاشرت او با افراد هم سن و سال از جنس خود یا از جنس مخالف می‌گردد و چه بساکه این امر موجب بروز مشکلات، مغایض و انحرافات اخلاقی نیز گردد.

اما البهاء روحیه خانم می‌فرمایند:

"از مدهشترين مظاهر فساد، از بين رفتن اختيارات والدین در منازل و تحقيير آنان بوسيله اولاد

می باشد." (۵۷)

در آثار مبارکه برای والدین حقوقی مفروضین گردیده که تزوجه و رعایت آنان بر عهده عموم فرزندان
می باشد که ذیلأً به اهم آنها اشاره می گردد:

*) اطاعت

حضرت عبدالبهاء می فرمایند: "... پسر باید نهایت اطاعت را از پدر بنماید، عبد خاضع باشد و
بنده متواضع." (۵۸)

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"اولاد و احفاد باید نهایت احترام و اطاعت از امهات و آباء و اجداد نمایند." (۵۹)

**) خدمت

قلم اعلی در لوح مبارک خطاب به اشرف زنجانی می فرمایند:
"وَإِن يُخَيِّرُكُمْ أَحَدٌ فِي خِدْمَتِي وَخِدْمَةِ آبائِكُمْ وَآمَهَا تِكُمْ أَنْ آخْتَارُوا خِدْمَتَهُمْ هُمْ أَتَخْذِلُوْا بِهَا إِلَى سَبِيلِهِ" (۶۰)
که مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است:

اگر کسی شما را مخیر کند در قبول خدمت من و خدمت پدر و مادرتان، البته خدمت آنها را
برگزینید و از راه خدمت به آنها راه مرا دریابید.

و نیز می فرمایند:

"بر هر پسری فرض است که خدمت پدر کند. چنین مقدار نمودیم این حکم محکم را در کتاب
الله." (۶۱)

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"امیدوارم که جمیع ابناء مانند شما به خدمت امهات موفق گردند و سبب مسرتشان شوند، زیرا
حقوق پدر و مادر مقارن حقوق حضرت احادیث است و بالا این احساناً دلیل واضح و مبین." (۶۲)

۴) احترام

حضرت بهاءالله می فرمایند:

"باید با پدر به کمال محبت رفتار نمایی، امری که سبب ضرر اوست و یا علت حزن او ارتکاب آن

محبوب نه." (۶۳)

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"اگر شما نسبت به والدین خود، توجه و مهربانی مبذول کنی و آنان را غمونماً راضی و خشنود نداری، آین امر سبب رضایت و خشنودی من تیز خواهد شد، زیرا لازم است نسبت به والدین نهایت احترام مجری گردد." (۶۴)

۵) رعایت حقوق

"اثمار سدره موجود، امانت و دیانت و صدق و صفا، و اعظم از کل بعد از توحید حضرت باری جل و عز مراعات حقوق والدین است. در جمیع کتب الهی این فقره مذکور و از قلم اعلی مسطور." (۶۵)

۴-ج - ۲) درک مقصد امر بهائی

اولین وظیفه هر جوان بهائی، برای حصول موقیت هر چه بیشتر ذرا انتشار پیام الهی این است که سعی نماید مقصد این امراعظم یعنی اتحاد نوع بشر را بهتر درک نمایند زیرا با درک هر چه بیشتر مفهوم اتحاد است که به فرد الہامات جدیدی می رسد و سبب ازدیاد توفیق می گردد.

مشکل اساسی دنیا امروز عدم پذیرش این اصل است زیرا مردم وحدت عالم انسانی را تحقق ناپذیر و دور از ذهن می دانند بیت العدل اعظم الهی می فرمایند: "...ای کاش مردم می دانستند که آلام سائره، فقط علایم و آثار گوناگون بیماری اصلی یا عدم اتحاد نوع بشر می باشد." (۶۶)

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

"احبای جوان بایستی از وظیفه و هدف دیانت بهائی و سرنوشت خود در این ایام خطیر و بحرانی دقیقاً آگاه شوند چه که وظیفه مهم سازندگی دنیا اینده بر خرابه هائی که لزوماً نتیجه جبری اضطرابات

و آشوبهای کنونی جهان می‌باشد، به عهده جوانان محول گردیده است. آنها باید وظیفه خویش را با نهایت جدیّت در نظر گیرند و آماده تحميل وظیفه خطیره دائم التزايد خود گردد."^(۶۷)

٤-ج - ۳) خدمت با مرالله

بهترین زبان زندگی انسان، هنگامی است که ثمرة وجود خود را برای راحت و آسایش نوع انسان ظاهر ساخته، موفق به انجام خدمت حقیقی گردد.

این امر نخست متوجه جوانان است. زیرا از جهتی تبروی فعاله هر جامعه‌ای افراد جوان آن جامعه‌اند، بنابراین قسمت اعظم مسئولیت خدمت به جامعه، به عهده جوانان می‌باشد.

واز جهتی دیگر ایام جوانی اوج قوا و تواناییهای انسان است که باید مصروف امور مهمه نماید لهذا، اولاً هیچ امری مهم‌تر از خدمت امرنه و ثانیاً هیچ کس تواناتر از جوان بهائی جهت این مهم نیست.
حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

"امروزه امرالله... نیاز به نفووس مخلص و فداکار و حامیان و فداری دارد که بی‌اعتنایی به عدم امکانات و ضعف قوای خود بوده با قلوبی مشتعل از نار محبت‌الله همه چیز خود را در راه انتشار و استقرار امرالله فراموش کنند."^(۶۸)

و نیز می‌فرمایند:

اماً جوانان عزیز بهائی فرصت بسیار مبارکی در پیش دارند و تا سبکبارند باید رهسپار سبیل خدمت گردد. اگر به اکتساب علوم و فنون عالیه مشغولند و یا به شغل و صنعت و اقتراضی مألف، باید در همه حال مقصد اعلایشان تقديم خدمتی به آستان یزدان باشد.^(۶۹)

٤-ج - ٤) خدمت به عالم انسانی

اعظم وظیفه جوان بهائی نسبت به ابناء انسانی اینست که جمیع قوا و استعدادات خداداده خویش را صرف نماید تا با هدایت نوع بشر به شاهراه حقیقت موجبات رهایی و نجات نوع انسان را از مصیبات و گرفتاریهای مستولیه، فراهم ساخته ملکوت الهی به بسیط غبرا استقرار یابد.

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

نهضت بهایی نیازمند جوانانی است که بیداری روحانی یافته تا با قیام بخود جلوی طغیان موج تمدن مادی که نوع بشرزرا به ورطه دمار و این را کشانده، سند نماید... وقتی بزرگترین رنج و مصیبت فر رساند، بز عهله جوانان است که ضفوف خود را مجهر سازند و بالاتفاق قیام کنند و وظیفه خود را اجزاء اکمال نموده و ملکوت الهی را در روی زمین تأسیس و مستقر نماید" (۷۰) ^{۷۰}

و نیز می فرمایند:

"الیوم یوم نهضت و قیام عاشقانه جوانان است که با همتی زائد الوصف امواج دریای ماده پرستی را درهم شکنند و بحر تمدن و معانی را از طوفان افکار سخیف و پست اجتماعی محفوظ و مصون دارند و با آنوار دیانت، جامعه بشری را به شاهراه فلاح و رستگاری هدایت کنند" (۷۱) ^{۷۱}

نکات لازمه در خصوص اهمیت و ضرورت خدمت، آداب خدمت و... در درس خدمت ذکر گردیده است که ذکر این مقال به این حد کفا است می گردد.

۴-ج - ۵) تبلیغ

از اعظم وظایف یک فرد بهائی تبلیغ و انتشار امرالله است چه به واسطه این خدمت نفوس به شاهراه الهی هدایت گردند و عالم انسانی به سرمنزل مقصود رسد. جوان بهائی به دلیل اینکه واجد توانائیها و قابلیتهاي خاص و شور و نشور ویژهای است بیش از سایرین می‌تواند و باید خود را برای این وظیفه مهیا نماید.

معهد اعلی در این خصوص می‌فرمایند:

"اما از جوانان بهائی، وارثین متقدمین شجیع و مؤمنین اولیه امرالله که هم اکنون بار مسئولیت تاریخی بر دوش آن عزیزان پر جوش و خروش نهاده شده است دعوت می‌نماید تا در این ایام که علاقمندی شدید نسبت به امر رب مجید در سراسر جهان مشهود و عیان است، مساعی خویش را مضاعف نمایند و پیام جانبخش مالک امکان را به سمع همسالان معاصر خود برسانند و خود را آماده روز فیروزی سازند که از معتقدین و متمسکین و مؤمنین با تجربه محسوب گشته و قادر به انجام وظایف خطیرهای گردند که در مستقبل ایام به اراده حضرت رب الانام به آنان محوّل خواهد شد." (۷۲)

در آثار بهائی تصریح گردیده است که از مهمترین طرق ابلاغ امر، تبلیغ به عمل است و جوان در این امر موفق نمی‌گردد مگر به آنچه می‌گوید خود عامل باشد. امروز عالم بیش از هر چیز، نیازمند الگویی است که جوانان بهائی می‌توانند عرضه کنند آن باشند. بنابراین لازم است که جوانان بهائی هر روز بیش از پیش، در تخلق به اخلاق ملکوتی و دارا شدن حیات بهائی کوشش نمایند و حیات خود را خصوصاً از لحاظ اخلاقی با موازین امری تطبیق نمایند.

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

"چه بسا اتفاق افتاد که جوانان به محض مشاهده یک سرمشق پستدیده از آن پیروی نمایند، زیرا آنان بیش از دیگر طبقات آرزوهای بلند در سر دارند و هرگاه متوجه شوند که امری صحیح و واقعاً انجام پذیر است، بیش از سایرین آن صمیم قلب در اجرای آن می‌کوشند، بر جوانان بهائی است که این سرمشق را به اهل عالم بدهند." (۷۳)

همچنین می‌فرمایند:

"جوانان بهایی مخصوصاً بایستی همیشه پکوشند که سرمشق و نیونه حیات بهایی باشند... جهان

از حرف خسته شده و تشنگ عمل است و جوانان بهایی باید جوابگوی این انتظار باشند." (۷۴)

۳-ج - ۶) تبرعات

حضرت ولی محبوب امرالله می فرمایند:

"... اعانته در این سبیل از احتیاجات ضروریه امرالله است و از امور لازمه اساسیه محسوب، بعد از ادای حقوق فی الحقیقه اعظم وظیفه شخص بهایی است زیرا آنچه در این سبیل تقديم گردد و ضیف شود رأساً ترویج امر الهی است و تعزیز و تقویت آئین ربانی. ولی این وظیفه، وظیفه مقدسی است و امری است وجدانی و تکلیفی است، روحانی، احدی مجبور بر آن نه؛ هر نفسی به قدر استطاعت خویش اعانته ای به این صندوق خیریه نماید و تقديم محفوظ روحانی کند، اجرش عندالله عظیم است چه که به این واسطه ترویج امرالله نموده..."

معهد اعلی در این خصوص می فرمایند:

"... لازم است که یاران الهی در سراسر جهان به این اصل اساسی امر الهی واقف شوند که تبرع به صندوقهای امری از عناصر و اجزاء لاینفک حیات روحانی هر فرد بهایی است و تقديم تبرعات را باید به منزله اجرای یکی از واجبات و تکالیف زندگانی روحانی محسوب داشت." (۷۵)

۵) مقام، موقف و وظایف جوانان بهائی ایران

در این مقام فقط به ذکر فقراتی از پیام‌های معهداعلی که فصل الخطاب عموم جوانان مهدام‌الله در جمیع احیان است کفايت می‌گردد:

(۱) معهداعلی می‌فرمایند:

"اما جوانان نازنین ایران در واقع اخیر از عوامل فعاله در اثبات ایمان و ایقان اهل بهاء در آن بلاد بوده و هستند و خدماتشان که مظهر شجاعت و شهامت و فداکاری و از خودگذشتگی آن نهالان بوستان حقیقت است در تاریخ امر الٰهی مقامی مخصوص خواهد داشت."^(۷۶)

(۲) و نیز می‌فرمایند:

"آن شهبازان اوج محبة الله به سرور و سکون و وقاری قائم و فائزند که مغناطیس تأییدات ملاء اعلی گشته و آنان را به چنان توفیقاتی موفق نموده است. که اسباب تحیر و اعجاب اهل بهاء در سراسر عالم شده..."^(۷۷)

(۳) و نیز می‌فرمایند:

"معهداعلی مقرر فرمودند مرقوم گردد که الحمد لله آن جواهر وفا در عین مظلومیت به خدماتی نائل شده‌اند که مغبوط اهل عرفانند. محرومیت ظاهری از شرکت در میادین بین المللی در مقابل تأثیرات باطنیه معنویه فداکاری‌های تاریخی آن عزیزان از اهمیتش می‌کاهد. باید مسرور باشند که نفس مظلومیت سبب حصول فتوحات عظیمه جهت اهل بهاء در سراسر عالم گشته است. جوانان عزیز که در کسب کمالات عالم انسانی در آن سامان به مدارج عالیه رسیده‌اند البته فرصتی بیشتر دارند تا از ذخایر معنویه خویش در آینده ایام در میادین بین المللی استفاده نمایند و هر یک پرچم هدایت را برافراخته بیاران نورسیده را باعلی قلل سعادت رهبری فرمایند."^(۷۸)

(۴) و نیز می‌فرمایند:

"آنچه بیشتر باعث اهتزاز بیشتر قلوب شد آنکه آثار بهیه نفوذ کلمة الله در قلب آن جوان عزیز که در دوره معارف عالیه امری تلمذ کرده‌اند کاملاً از خلال نامه شان مشهود بود. فی الحقیقہ جوانان ایران در این ایام به موهبتی فازند که در جای دیگر جهت جوانان هم سن و سالشان مقدور نیست. یعنی آن عزیزان در مهد امرالله بالمره خود را مستغرق بحر آیات و الواح نموده و می‌نمایند. باید قدر این عنایتی

ز که جمال ابھی نصیب‌شان فرموده بدانند و خود را آماده نمایند که در تأمین مدنیت جهانی در ظل پرچم امیرالله شرکت کنند، انشاء الله وقتی خواهد رسید که از خرمن معارفی که تحصیل کرده‌اند به دیگران نصیب وافر بخشدند و در میدانهای بین المللی به عبودیت جمال ابھی موفق گردند و امیدوارند که عموم جوانان مشتقطیم ثابت قدم و قادر در مهد امیرالله همچنان با این روحیه قوی و قلب مطمئن به خدمت عظیمند که در پیش گرفته‌اند قائم و دائم باشند." (۷۹)

(۵) و نیز می‌فرمایند:

"... در این مقام واجب است که به ذکر خیر جوانان ارجمند بهائی پردازیم، زیرا که در میدان مجاهدت با سایر افراد جامعه همراه بدل دزبسیاری از اوقات در صفت مقدم به جلادت و کفاح مشغول بوده‌اند. موهبتی اعظم از این نیست که در عنفوان شباب به مقصد از خلقت خویش پی بریم و شناسایی جمال رحمن و عبودیت آستان زیدان را هدف زندگانی در این جهان فانی قرار دهیم و امور دیگر از قبیل ترقیات ظاهره و نیل به مقامات غالیه حتی کسب درجات علمی را وسیله قوز به آن مقصد انسنی و هدف اعلی شماریم. اگر چنین نباشد هر که باشیم و به هر جا بررسیم از فوز به سعادت حقیقی و ترقی در جمیع عوالم روحانی محروم مانده‌ایم و بر عکس اگر حوادث روزگار و عدم امکانات ما را از وصول به آن مقامات و آن درجات و آن امتیازات محروم سازد، چون به عرفان فائز و به عبودیت حضرت احادیث عامل باشیم به مقصد حیات نائل و به بزم قرب و لقا و اصل گشته‌ایم..." (۸۰)

(۶) و نیز می‌فرمایند:

"مکتوبی که بعضی از جوانان عزیز مهد امیرالله مرقوم فرموده بودند و اصل گردید. معهد اعلی از وصولش بسیار مسرور گردیدند زیرا مبین خلوص نیت و پاکی طینت و علو همت آن عزیزان بود که در ریحان شباب به معنی حقیقی حیات پی بردن و به عرفان حق جل جلاله در یوم موعد نائل و در سبیل محبتیش به جانبازی فائز گشتند و به سرافرازی رسیدند و به امید کسب رضای حق به مبداء استقامت متمسک شدند و از جمله به حکم کتاب به اطاعت از حکومت و قوانین رایج مملکت پرداختند. آنچه بوده و هست آنکه آن عزیزان از تلاوت آیات و مطالعه آثار و تقویت روحانی خویش غافل نمانند زیرا اس اساس سعادت ابدیه در این است، امور دیگر از قبیل تحصیل ثروت، حتی علوم و فنون هر چند فی حد ذاته ممدوح ولی در صورتی مقبول است که مانع قربت الهیه و ارتقاء به مدارج

عالیه روحانیه و کسب حیات ملکوتیه نگردد والا خسران مبین است. لهذا آن عزیزان نباید نگران باشند تا حدی که میسر و مقدور است به کسب مدارج عالیه علمیه پردازند و اگر در شرایط کنونی از آن محروم ماندند آن را **محبباً لِجَمَالِهِ** بدانند و مطمئن باشند که این فدایکاری بی اجر نمی ماند و ظاهراً و باطنًا سبب حصول سرور خاطر و اطمینان قلب آنان خواهد شد. باید به تاریخ امر رجوع فرمایند، البته معلوم گردد که امثال اینگونه از خودگذشتگی ها و تحمل محرومیت ها در سبیل حضرت احادیث سبب هُطول امطار تأییدات ملاء اعلی گشته و امر جمال ابهی را در عالم امکان تمکن بخشیده. باید شاکر و مفتخر باشند که این تاج و هاج بر فرق آنان گذاشته شده است. آنان را بشارت باد که معهداً علی بالنيابه از آن پرچمداران میدان وفا و استقامت در مقامات مقدسه عاليه مزید سعادت و سرورشان را سایل و طالبند." (۸۱)

(۷) و نیز می فرمایند:

"الحمد لله جوانان عزیز و باوفا در مهد امر الله هر یک بنحوی از انحصار در ترقیات روحانیه خویش می کوشند و در اشتهر صیت امر اعظم نقشی اساسی دارند و باید مطمئن باشند که چشم جامعه اهل بهاء در سراسر عالم استقامت و شجاعت و فدایکاری آنها دوخته شده تا نتایج عظیمه ای که از این ممر به میدان تبلیغ و خدمت به عالم انسانی به ابعاد وسیعتری نصیب جامعه اسم اعظم خواهد شد شاهد گردند." (۸۲)

۶- مشکلات و مسائل جوان بهائی در عصر حاضر

۱- (۶) بررسی وضعیت عصر حاضر:

ما در عصری زندگی می‌کنیم که شاهد احتلال و پریشانی در شیوه مختلفه زندگی بشر هستیم. انسان در عرصه‌های مختلف، سرکردان شده و ملجاء و پناهی برای خود نمی‌یابد. این سرگردانی در عرصه سیاست، اقتصاد، فرهنگ و هنر رسوخ کرده است و ترویریسم و قانون شکنی و مکايد و دسائی افق سیاست را تیره و تارکرده و ماده‌پرستی و ناسیونالیسم و نژادپرستی را برج گشته است. آشفتگی‌های اقتصادی، اوپریا بسیاری از کشورها را میختل کرده و تعداد انبوی از مردم بر اثر فرو ریختن اساس تجارت بین المللی، دچار فقر و فاقه بی‌پایان شده‌اند، به طوری که به سختی قادر به تأمین مایحتاج خود می‌باشند. ملل مختلفه عالم به موازات ترقیات علوم و فنون و تکنولوژیهای پیشرفته چون از روح تأیید الهی محروم مانده‌اند؛ هم چون جسمی بی‌جان شده و خطر روزافزون از دیاد تسليحات و ادوات ناریه مخرب را بیشتر کرده است، بی‌دینی و ضعیف، احساسات روحانی، مبادی اخلاقی را ضعیف ساخته و بنیانش را سست نموده است؛ بطوری که سبب تضعیف بنیان خانواده شده است و بطور کلی عطش و نیاز کافی برای روحانیت وجود ندارد و این لمر خود علت عمدی و پایه و اساس سیئات جاریه است.

بیت العدل اعظم الهی در توصیف وضعیت رقت بارگذاری عالم می‌فرمایند:

"مبادی اساسیه نظم جهان را مکائد سیاسیه زمامداران داغ بطلان نهاده و حرص و آزاری و تزویر ظلم و خودپرستی به روابط جامعه بین افراد و ملل حاکم گشته است. اکتشافات و اختراقات که ثمرة تقدّم علوم و صنایع است، آلات و وسائل دمار و انهدام عمومی را فراهم آورده و به دست نااهل افتاده است. حتی موسیقی و هنر و ادبیات که باید نماینده و هادی عواطف رقیقۀ غالیه و وسیله تلطیف و تسکین روح افسرده انسانی گردد، حال آئینه قلوب تیره این نسل سرگردان و لاابالی و بی سر و سامان شده؛ او از صراط مستقیم انحراف چشته است. و امثال این انحرافات سبب گردد که پرموده جمال‌المبارک "هن یوم بلایای جدیدی ارض را اخذ نماید و فتنه تازه برپا شود و سوف تھرثع المدُن مِنْ نَارٍ" تحقق یابد." (۸۳)

در بیان علل این اوضاع مهیب و هول انگیز حضرت ولی امرالله می‌فرمایند:

"فی الحقيقة علت عمدہ سیئات کہ حالیہ در جامعہ شایع و بسیار متداول است، فقدان روحانیت می باشد. تمدن مادی عصر ما چنان علاقہ و توجہ بشر را به خود جذب نموده کہ مردم به طور کلی لزوم تفوق بر قوا و شرایط حیات روزانہ مادی را احساس نمی کنند و برای عواملی کہ ما آنها را قوای روحانی می نامیم و از نیازها و احتیاجات حیات جسمانی ما متمایز است، تقاضای کافی وجود ندارد" (۸۴)

۲-۶) فساد اخلاقی (امتحانات اخلاقی):

بی بند و باری در مسائل اخلاقی، از جمله اعتیاد به دخانیات، مسکرات، مواد مخدر و هم چنین عصیانگری و ضرب و شتم و خشونت از جمله مشکلات مدهش رایج جوانان عصر حاضر است که صدمات جسمی و روحی فراوانی را به آنان وارد ساخته است.

حضرت عبدالبهاء می فرمایند: ای جوانان روحانی هر جوانی از اهل این خاکدان در فکر این جهان و منهمک در شهوت عالم حیوان، اندیشه اش آب و علف و پیشه اش آرزوی عُرّ و صدف حتی پست ترین حُطام و خزف ولی عاقبت منتج حسرت و اسف.

در واقع سخت ترین وظیفه روحانی جوان بهایی ایست که در محیطی که مشحون از جنبه های مختلفه فساد اخلاق زندگی می کند، نه تنها منزه و مبرا از این مفاسد حرکت نماید بلکه نمونه و الگوی واقعی تعالیم الهی باشد.

حضرت ولی محبوب امرالله در توقيع منيع ظهور عدل الهی می فرمایند:

طهارت و تقدیس باید اصل مسلم و میزان مکمل رفتار و اطوار یاران در روابط اجتماعی آنان با اعضاء داخل جامعه هم چنین در تماس و ارتباطشان با عالم خارج باشد... این حقیقت شاخصه باید صفت مشخصه و غیرقابل انفكای جوانان و ملازم با مأموریت و رسالت فخیم ایشان تلقی شود. (۸۵)

و در بیان شئون تقدیس و تنزیه می فرمایند:

این تقدیس و تنزیه با شئون و مقتضیات آن از عفت و غصمت و پاکی و طهارت و اصالت و نجایت مستلزم حفظ اعدال در جمیع مراتب و احوال از وضع پوشش و لباس و ادای الفاظ و کلمات و استفاده از ملکات و قرائح هنری و ادبی است هم چنین توجه و مراقبت تمام در احترام از مشتهيات نفسانیه و ترک اهواه و تمایلات سخیفه و عادات و تفریحات رذیله مفرطه ایست که از مقام بلند انسان

بکاهد و از اوج عزّت به حضیض ذلت متنازل سازد و نیز مستدعی اجتناب شدید از شرب مسکرات و افیون و سایر آلایشهای مضره و اعتیادات دنیه نالایقه است این تقدیس و تنزیه هر امری را که منافی عفت و عصمت شمرده شود خواه از آثار و مظاهر هنر و ادب و یا پیروی از طرفداران خلع حجاب و حرکت بلاستار در مرآی ناس و یا آمیزش به طریق مصاحبته و یا بی‌وفایی در روابط زناشویی و بطوری کلی هر نوع ارتباط غیرمشروع و هرگونه معاشرت و مجالست منافی با احکام و سنن الهیه را محکوم و ممنوع می‌نماید و به هیچ وجه با اصول و موازین سیئه و شئون و آداب غیرمرضیه عصر منحط و رویزان کنونی موافقت نداشته بلکه با ارائه طریق و اقامه برهان و دلیل بطلان این افکار و سخافت این اذکار و مضار و مفسدات اینگونه آلوگی‌ها را عملاً مکشف و هتك احترام از نوامیس و مقدسات معنویه منبعث از تجاوزات و انحرافات مضلله را ثابت و مدلل می‌سازد. (۸۶)

بنابراین جوان بهایی باید در کلیه احیان و اوقات زندگی روزمره با هوشیاری، مستمراً سعی و تلاش نماید تا از کلیه اعمال و حرکاتی که در بیان مبارک فوق به عنوان مظاهر فساد و اخلاق اشاره گردید دوری جوید.

جوان برای صیانت خود در برابر مفاسد عالم باید پس از مراجعته به آثار مبارکه حتماً برنامه‌ای دقیق داشته باشد.

اولین قدم مراقبت از نفس اماره است، یعنی آن نیروئی که در وجود ما است و مرتب‌نمایارا به بندی یا اعمال خلاف نصوص و هدایات و احکام الهیه حکم می‌کند. این نفس چون از جسم ما یا به بیان دیگر از تقاضاها یا نیازهای جسم ما ناشی است که اصطلاحاً در آثار به "مشتهیات نفسانیه" موسوم گشته است. این موضوع عامل کجری‌های انسان است. مرتاضان با ضعیف کردن جسم سعی در تضعیف نفس خویش دارند اما در امر مبارک ریاضت و رهبانیت و امثالهم نهی شده است. بر اساس اعتقادات اهل بها برای غلبه بر نفس باید روح را قوی کرد یعنی چنانچه در فردی روح غالب باشد، نفس مجال جولان پیدا نمی‌کند. معهد اعلی طرق عملی ذیل را برای تقویت روحانی بیان می‌فرمایند:

"بکرات در آثار مبارکه، راههای غلبه بر شهوت نفسانی برای جوانان توضیح داده شده و تشریح گردیده است از جمله آنچه جوانان را از غلبه شهوت نفسانی حفظ نماید توجه آنان به ملکوت ابهی و تلاوت آیات و الواح نورا و قیام به خدمت امرالله و اجتناب از بطالت و کسالت و از دیاد حرکت و کار و

وقتی طرق عملی فوق رعایت شد آنگاه روح قوی می‌شود و در برابر تقاضاهای نفس او را هدایت می‌کند؛ یعنی تقاضای نفسانی را در مجاری صحیح هدایت الهی جریان می‌دهد. نفس را سرکوب نمی‌کند بلکه همانگونه که اشاره شد نفس را هدایت می‌کند. مثلاً انسان گرسنه است نفس کور فقط به رفع گرسنگی و خوردن غذا می‌اندیشد مثلاً اگر کسی با دزدی هم غذا تهیه کند برای نفس تفاوتی ندارد بلکه چون هدف سیر شدن است او را تشویق هم می‌کند و برای او دلیل هم می‌آورد که فرد راضی به دزدی شود. ولی روح غالب که قوتش از احکام و آثار الهی است بر قوه نفس غلبه می‌کند و رفع گرسنگی بطريق مشروع یعنی کار کردن و کسب درآمد بطريق شرعی و حلال صورت می‌دهد. آنگاه هم شخصیت فرد حفظ شده، هم خداوند راضی است و هم گرسنگی رفع شده و اگر قرار باشد نفس بر اعمال ما حاکم باشد، آنوقت هر کس بطريقی، این کار را می‌کند چون وسیله و راه رفع گرسنگی اهمیتی ندارد، بلکه هدف سیری است. ممکن است فردی برای سیر شدن حتی انسانی را بکشد. حال این مثال را در تمام تقاضاهای نفسانی می‌توان تسری داد. امروز نیازهای جنسی و چگونگی رفع آن بکلی تعادل اجتماعی را برهم زده است. خانواده اساسش متزلزل شده، بیماری‌های بسیاری شایع شده و بلاحای دیگر بوجود آمده است. حکم الهی این نیست که به این نیازها توجه نشود؛ بلکه حکم الهی آن است که این نیاز به طریق معقول برآورده شود؛ یعنی جوان با تلاش زیاد مقدمات یک زندگی مشترک را فراهم کند و با ازدواج به این نیاز خود نیز پاسخ دهد و از طرق دیگری که مورد رضای الهی نمی‌باشد جهت ارضاء این نیازها صرف نظر کند.

از دیگر راههای صیانت خود و مراقبت از نفس دور نگهداشت خود از محیطهای محرك نفسانی مثل مجالس رقص که به این منظور بربپا می‌شود، است و نیز اجتناب از مشاهده فیلمها و تصاویر محرك نفسانی که از طریق فیلم‌های ویدیویی یا ماهواره یا کتب و مجلات و یا هر وسیله دیگر از طرق لازم الاتباع جهت صیانت و مراقبت خود از غلیان نفس امارة است.

در خصوص رقص حضرت ولی عزیز امرالله خطاب به محفل روحانی هند و پاکستان

می‌فرمایند:

”در تعالیم مبارکه مطلبی مخالف با رقص وجود ندارد اما احباباً باید بخاطر داشته باشند که میزان

حضرت بهاءالله تعادل و پاکدامنی است فضای سالنهای رقص امروزی، جائی که مملو از دود و نوشیدنی‌های الكلی است بسیار بد است. اما رقصهای شایسته و آراسته به نفسه مضر نیستند. یقیناً ضرری در رقص‌های کلاسیک یا فراگیری رقص در مدرسه وجود ندارد. همچنین ضرری در شرکت در نمایش و بازی در سینما وجود ندارد. امروز هنر بنفسه مضر نمی‌باشد اما بدبختانه فساد اغلب این هنرها را احاطه کرده است. به عنوان یک فرد بهایی احتیاجی نیست که از این هنرها دروی جوئیم بلکه باید از فضایی که گاهی اوقات بر هنر حاکم است دوری کنیم.^(۸۸)

مورد دیگر اینست که باید تحقیق و مطالعه کنیم و ببینیم که علت فساد عالم در چیست و ظبعاً برای حفظ خود از آن دوری کنیم.

مطلوب زیر از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احباء صادر شده است:

"یکی از علائم جامعه رو بزوال، علامتی که در دنیا امروز معلوم و واضح است؛ دلبتگی مفرط به خوشگذرانی، تشنگی سیری ناپذیر برای تفريح و سرگرمی، شیفتگی خاص نسبت به بازیها و ورزش، عدم رغبت در برخورد جدی با مسائل و داشتن نظری اهانت آمیز نسبت به تقوی و پاکدامنی می‌باشد. ترک اعمال و رفتار بی ارزش بدان معنی نیست که بهائیان باید ترش روی، خشک و عبوس باشند. شوخ طبعی، شادی و سرور ممیزه‌های زندگی یک بهائی حقیقی هستند. اوقات را به بیهوده گذراندن موجب وازدگی و خستگی انسان و نهایتاً منتج به پوچی خواهد شد. اما زندگی متعادل که شامل داشتن اعتقادات محکم و خصیع و خثیع نسبت به حق است سرور ولذت حقیقی را با خود بهمراه می‌آورد و این سرور و خوشی موجب پربار شدن زندگی خواهد شد."^(۸۹)

حضرت ولی امیرالله درباره نفس می‌فرمایند:

"در آثار بهائی در حقیقت نفس دارای دو مفهوم است و یا در دو مفهوم بکار می‌رود یکی نفس به عنوان هویت شخص انسانی و آنگونه که خداوند او را آفریده. این حقیقت در عباراتی نظری (من عرف نسبه قصد عرف ریه) استعمال گردیده است. نفس دیگر نفس اماره است و آن میراث مظلم و حیوانی است که همه ملائک داریم و همان طبیعت دون بشری است که می‌تواند به دیو مددحش خود پرستی، خشنونت، شهوت و غپره تبدیل گردد. این نفس اماره است که می‌بایست علیه آن پیکار کنیم و این جنبه منفی طبیعت ماست که باید با تمام قوا بکوشیم تا آنرا آزاد سازیم و در راه وصول به کمال باری کنیم. با

اینکه لاقل جنبه بهیمی و آمال و آرزوهای ناشی از آنرا تابع جنبه‌های عالی و ملکوتی شخصیت خود
قرار دهیم.^(۹۰)

۳-۶) مدگرایی و تقلید از سیئات اهل غرب:

چون امروزی نسبت به مبادی اخلاقی و اصول انسانی بی‌اعتنایی در میان جوامع غربی به شدت روبه ازدیاد است، به گونه‌ای که سبب بی‌نظمی اخلاقی و بی‌بند و باری و آزادی بی‌حد و حصر جنسی، شده است. جوان بدون آگاهی از حکمت وجود غرایز جنسی، تصور می‌کند به علت اینکه چنین غریزه‌ای در وجودش خلق شده، حق دارد به هر گونه و هر اندازه که تمایل دارد از آن استفاده کند و کسب لذت نماید و همین امر سبب ازدیاد روابط نامشروع و فحشاء و تولید مفاسد عظیمه دیگر شده است.

تمدن غرب در کلیه شئون از جمله تأليفات، مطبوعات، صنعت فيلم‌برداری، مد لباس و آرایش، تبلیغات و... امور جنسی را مورد توجه قرار می‌دهد و شعار عمومی این است که انسان برای کسب لذت جنسی خلق شده است و می‌تواند در طلبش کوشانگردد. علاوه بر گرفتار شدن جوامع غربی به چنین آلدگی‌هایی، متأسفانه جوامع شرقی نیز در اثر مدگرایی و تقلید از اهل غرب اسیر این مشکلات گردیده‌اند و مخصوصاً جوانان بیش از همه در معرض خطر این مفاسد قرار دارند و با تأسی از این سیئات توجه به مدهای عجیب و غریب گرفتار مشکلات عظیمه گشته‌اند.

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: تجاوز از آداب بهایی و مخالفت مبادی سامیه امریه، راجع به تقدیس و تنزیه و عفت و عصمت و اعتدال در امور و اجتناب از سیئات اهل غرب و عادات مذمومه و غیر مرضیه آنان، تولید مفاسد عظیمه در جامعه نماید و بنیه جامعه را ضعیف نماید و از رونق بیندازد.^(۹۱)

۴-۶) تعبیر غلط از مفهوم کلمه عشق:

متأسفانه اول زمانی که صحبت از عشق به میان می‌آید، اولین چیزی که از مفهوم این کلمه به ذهن جوان خطرور می‌کند، علاقه به جنس مخالف است. جوان تصور می‌کند، عشق، به علاقه بین پسر و دختر متحصر می‌کردد از انجاکه نیاز به عشق و محبت یکی از انواع نیازهای دوره جوانی است، جوان اتفاق این

نیاز را پیش از هر کس دیگر، در جنس مخالف جستجو می‌کند:

در حالی که اولاً این عشقها پایه و اساس محکمی ندارد و حتی چنانچه به ازدواج بیانجامد در اغلب موارد با شکست و ناکامی مواجه می‌کردد. چه که زمانی که جوان با حقایق زندگی و انواع مسئولیت‌های آن مواجه می‌شود میزان اختلاف نظرها زیادتر شده این عشقی که زائیده هیجانهای زودگذر جوانی بوده به خصوصیت می‌گراید و اغلب به طلاق منتهی می‌شود و یا موجد ناسازگاری‌های مداوم خانوادگی می‌گردد. ثانیاً چون در دوره جوانی غرائز و تمیّات نفسانی در حد اعلیٰ خود است این امر یعنی وجود عشق‌های صوری و بی‌پایه موجب ایجاد انحرافات اخلاقی و وارد شدن خدشه به سلامت روحانی جوان است.

در امر بھایی اهل بها به ایجاد روابط محبت آمیز و صمیمانه با کل ابناء بشر چه زن و چه مرد مأمور گشته‌اند و زیستن بر مبنای اصولی روحانی و دارا بودن زندگی شریف و انسانی امیریست په غایت مشکل که امروز جوان بھایی را به مبارزه‌ای همه بجانبه پا. مظاهر فساد و هرزگی فرا می‌خواهد. و این عظیم‌ترین امتحانی است که جوان بھایی با آن مواجه است.

حضرت ولی عزیز امرالله می‌فرمایند:

جوانان نباید انتظاری جز این داشته باشند که در مستقبل لیام خود را در معرض امتحانات شدید یابند. امتحانات از لحاظ اخلاق، ایمان و میزان اعتقاد و تمیک به قوانین و احکام حضرت بهاءالله جل

سلطانه. (۹۲)

۵-۶) مشاهده فیلم‌های نامناسب و مطالعه کتب عشقیه:

امروزه استفاده از وسائلی چون تلویزیون، ویدئو ماهواره به صورت یک سرگرمی اساسی بزای جوانان درآمده است. بسیاری از جوانان اوقات فراغت خود را به دیدن فیلم‌هایی می‌گذرانند که اغلب آنها چیزی جز بی‌بند و باری، فساد در مسائل جنسی، خشونت و عدم وفاداری در ارتباطات زناشویی را به آنها نمی‌آموزد و به این ترتیب سبب بروز بسیاری از رفتارهای ناپسند در جوانان می‌شود. و خصوصیات و رفتار برخی از هنرپیشگان، به تدریج جزیی از خصوصیات آنها می‌گردد، زیرا دوست دارند مانند شخصیتهای سینمایی رفتار کنند و همانند آنان به رفتارهای ناپسند که دون شان انسان است

مشغول گردند و در پوشیدن لباس و آرایش مو از مدهای عجیب و غریب پیروی نمایند. علاوه بر این خصوصیاتی که در ظاهر جوانان ممکن است ایجاد گردد، این رفتارهای ناپسند در شخصیت آنان ثابت می‌شود.

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

اما تئاتر، اگر در دایره آداب یاشد و سبب تحسین اخلاق و ترویج محارف و تعديل هیئت اجتماعیه و تشویق فضائل انسانیه و تربیت عمومیه، فَنِعْمَ الْمَطْلُوبُ و اگر اساس هُزُل و غُمَز و لَمْزَ، از دایره تقدیس خارج و سبب ترویج شهوت؛ البتہ ممتوّع.^(۹۳)

در سنین جوانی خصوصاً اوایل این دوران جوان عطشی سیری ناپذیر به خواندن انواع کتب تخیلی، عشقی، داستانی و رمان پیدا می‌کند که بسیاری از آنها ضمن آنکه از ارزش‌های علمی، اخلاقی و معنوی تهی است، تحریک آمیز است، تحریک آمیز، گمراه کننده است اگر چه که برای جوان جاذب و التهاب آمیز است حضرت مولی الوری در یکی از الواح صادره از برآمده آن حضرت اجتناب از قرائت کتب طوایف مادیه و از حکایات و روایات عشقیه و تأثیفات غرامیه را توصیه فرموده‌اند.^(۹۴)

۶-۶) انتخاب دوستان نامناسب:

از آنجاکه جوان نیازمند برقراری روابط عاطفی با دیگران است، بیش از هر چیز مایل به دوستی با افراد هم سن و سال خود است و به دلیل اینکه خیلی زود تحت تأثیر رفتار دوستان و همسالان واقع می‌شود، هرگونه انحطاط و یا عمل خلافی از جانب دوستانش ممکن است موجبات انحراف اخلاقی فرد جوان را فراهم آورد و عدم بصیرت کافی در مورد انتخاب دوست عواقب شومی را ببار خواهد آورد. لذا جوان بهایی باید در گزینش دوستان خود نهایت سعی و اهتمام را بنماید و به این نکته توجه کند که ارزش‌های روحانی و اخلاقی و صفات و سجاوایی پسندیده و شایسته در فردی که می‌خواهد به عنوان دوست خود انتخاب کند موجود باشد. والا از او دوری جوید. توجه به این واقعیت که اکثر بل همه آلوگی‌ها، اعتیادات مضریه و اعمال زیان‌آور از طریق معاشرت با همسالان و دوستان تاباب گریبانگیر افراد شده و روزگارشان را تبله‌منی سازد، اهمیت این مسئله را بیش از پیش روشن می‌سازد.

قلم اعلی در کلمات مبارکه می‌کنونه اهل بها را نصیحت می‌فرمایند که: مصاحب ابرار را غنیمت

دان و از مراقبت اشرار دست و دل هر دو بردار. و نیز می فرمایند: "مکرر و صیحت نموده و می نمائیم دوستان را که از آنچه رائجه فساد استشمام می شود اجتناب نمایند بل فرار اختیار کنند عالم منقلب است و افکار عباد مختلف."^(۹۵)

حضرت عبدالبهاء در کیفیت تأثیر مفاسد و امراض روحانی از سایرین می فرمایند: "نفوosi که تصدیق نموده اند و به هدایت پرداخته اند و حال بکلی به پریشانی فکر مبتلا شده اند، سبب این است که این اشخاص با نفوس غافله معاشر گشته اند و مخالفت نص صریح الهی نموده با اشرار الفت گرفته اند و موافیست جسته اند زیرا ممکن نیست که شخص سالمی با شخص مسلولی و یا مجذومی الفت نماید و علتی، سرایت نکند."^(۹۶)

و نصیحت می فرمایند که: "در حلاوت لسان گول مخورید. ملاحظه کنید که مقصد هر نفسی چیست و مروج چه فکر است فوراً آگاه شوید و بیدار گردید و احتراز نعائید."^(۹۷) هر چند جوان به ایجاد ارتباط با دیگران نیاز دارد ولی باید در این زمینه هم چون سایر موارد، رعایت حد اعتدال را بنماید و چنان نباشد که اکثر اوقات خود را با دوستان بگذراند از معاشرت بی اندازه با دوستان و همسالان اجتناب نماید و با برنامه ریزی صحیح در زندگی شخصی، اوقات مخصوصی را برای این کار در نظر بگیرد.

بهترین نوع دوستی آن است که دوستان سبب کمال یکدیگر شوند و در این خصوص همدیگر را باری نمایند. موضوع صحبت میان آنها تماماً مادی نباشد و اوقاتی را که با هم بسر می برند، به امور زائد و باطل نگذرانند.

۷-۶) هتک حرمت والدین:

امروزه برخی از جوانان متأسفانه حقوق والدین خود را آنچنان که وظیفه شان حکم می کند مراعات نمی نمایند، در برابر آنها حاضر جوابی می کنند، به نظرات و تجربیات و نوصیه های آنان توجهی ندارند و در امورشان با آنها مشورت نمی کنند. حضرت امة البهاء روحیه خانم می فرمایند: "از مدهش ترین مظاهر فساد، از بین رفتن اختیارات والدین در منازل و تحقیر آنان به وسیله اولاد می باشد..."^(۹۸) در فصل ارتباط جوان بهایی و والدین به تفصیل در خصوص وجوب و ضرورت رعایت حقوق

والدین اشاره گردید.

۶-۸) انحراف از هنر:

جوان امروزی به سبب انحراف از صراط مستقیم انسانیت و استغراق در مفاسد اخلاقی، هنر را از اصالت و اعتدال خود خارج کرده و آن را به صورت وسیله‌ای در جهت سوء استفاده از تمایلات سخیفه جسمانی ذرأورده است و به این ترتیب سبب تنزل و تدنی در عرصه هنرگشته و آن را دچار عنان گسیختگی نموده است به طوری که هر روز اسباب تحریک عده بیشتری از جوانان را فراهم می‌آورد. این امر به وضوح زمینه‌های مختلف هنری از قبیل موسیقی، شعر، ادبیات، عکاسی، فیلمبرداری، نقاشی و... مشهود است. خصوصاًکه در این وادی به تقلید از شیوه‌های مصطلح در ممالک غربی نیز از یکدیگر پیش می‌گیرد.

حضرت ولی امرالله در خصوص رعایت شئون بھایی در امور نما يش که بخشی از فعالیتهای هنری است می فرمایند:

"اگر چنانچه نمایشی داده می‌شود باید از حد آداب بھایی تجاوز ننماید. نمایش ادبی و تاریخی و امری باشد. تقلید اقوام و ملل خارجه بسیار مضر به اخلاق جوانان است، زیرا محیط مستعد اینگونه مفاسد و مکاره و افراد اهالی بی‌قید و وجهشان به غفلت و لامذهبی متوجه احبا باید مقاومت نمایند و در رفع این مفاسد بکوشند. نه آنکه ترویج و تقلید نمایند."^(۹۹)

متاسفانه این انحرافات در عرصه فعالیتهای ورزشی نیز وارد شده است.

باتوجه به اینکه جوان برای آزادسازی انرژی متراکم درون خود نیاز به جنب و جوش دارد، بهترین نوع تحرک ورزش است ولی بشرطی که صرفاً به تقویت و تربیت جسمانی جوان بینجامد نه اینکه به صور منحط ابراز خشونت در فعالیتهای ورزشی، باندیازی، برد و باخت و اعمالی از این قبیل منجر گردد چه که در این صورت، جوان، هدف و معنای ورزش را تغییر داده، آن را وسیله‌ای در جهت رسیدن به موقعیتی برتر در می‌آورد.

۹-۶) مشکلات اقتصادی:

جوان برای رفع حوائج خود، بیش از سینین قبل خود نیازمند به امکانات مالی است و برای برآورده ساختن این نیاز و کسب استقلال مایل است شخصاً کار کند و کسب درآمد نماید، اما امروزه اشتغال به کار یکی از مشکلات اساسی جوانان شده است. همه قادر به تحصیلات دانشگاهی نیستند لهذا به انجام مشاغل آزاد مبادرت می‌نمایند و از آنجاکه اغلب تا این مرحله از عمر امکان کسب تخصص در زمینه خاصی را نداشته است، در اشتغال به امور مفید و مشاغل سالم دچار مشکل می‌گردد و نیز از طرفی جوان علاقه‌مند است که تمام نیازهای متنوع خوبیش را با حسن وجه برآورده از آنجاکه جوانان همیشه آرزوهای بلند در سر دارند و به اصطلاح می‌خواهند یک شبه ره صد ساله را طی نمایند در انتخاب شغل مناسب دچار مشکل گردیده، ای بسا به مشاغلی روی آورند که سبب بروز مشکلات و یا انحرافات آنان می‌گردد. در برخی موارد نیز این گونه شتابزدگی در انتخاب مشاغل پردرآمد برعکس موجب می‌گردد که جوان با بیکاری مواجه گردد چون تحصیل چنان درآمدهایی در ابتدای راه ممکن نیست و در این صورت باعث روی آوردن جوان به کارهای خلاف می‌شود.

دیدگاههای اساسی امر مبارک در خصوص اشتغال جوانان بهایی در درس اشتغال آمده است که بدین سبب از ورود به این بحث اجتناب می‌گردد.

سخن آخر

جوان بهایی دارای توانائی‌ها و استعداداتی می‌باشد که با بکارگیری آنها می‌تواند راههای ترقی و تکامل را بپیمایند مهم‌ترین امر برای این ترقی خواست خود فرد در جهت این پیشرفت می‌باشد، زیرا تنها با کوشش مداوم و خستگی ناپذیر است که می‌توان از قلل رفیع روحانیت صعود کرد. حضرت ولی عزیز امرالله می‌فرمایند:

”هر قدر تأییدات الهیه شدید باشد، اگر با مساعی مدبرانه و مداوم شخصی توأم نگردد، فاقد تأثیر لازم و قطعی بوده، به طور حقیقی و پایدار، مثمر ثمر خواهد بود.“^(۱۰۰)

روحانیت امری تدریجی است که در طی مراحلی توأم با انضباط آگاهانه روحانی و تحمل سختی بدست می‌آید و پایانی برای کسب آن موجود نیست. اگر زمانی، کسی تصور کند که بقدر کافی کسب روحانیت نموده و حال بهتر است قدری توقف نماید، همین فکر سبب تدنی او می‌گردد، زیرا از برای روح توقف وجود ندارد. اگر رو به علو نباشد، رو به دنّو خواهد بود.

معهد اعلیٰ می‌فرمایند:

”کدامیک از یاران می‌تواند ادعای کند که در حیات بهایی به اعلیٰ درجه آسایش دل و جان و رضایت وجودان فائز شده است. جامعه جهانی بهایی که مانند هیکل بدیع سالمی رشد می‌کند در سیر تکاملی خود سبب تولید سلوهای جدید و اعضای جدید و وظائف و قوای جدید می‌گردد. و در این میان فرد بهایی که حیات خود را وقف امر می‌کند در ظل آن سلامت و آرامش خاطر و عنایات موافرة حضرت بهاءالله را که در نظم الهی سریان دارد، کسب می‌نماید. هر یک از یاران علاوه بر تبلیغ امرالله باید به آستان الهی دعا کند و بکوشد تا در امور یومیه خود نیز به مقتضیات حیات بهایی عمل نماید.“^(۱۰۱)

مطالبی که در سرفصل‌های گوناگون در این درسن ذکر گردید موضعی است که رعایت آنها و عمل بدانها سبب ترقی و تعالیٰ روحانی و جهت یافتن زندگی جوان بهایی می‌گردد و کل موضعی مکمل یکدیگرند یعنی تنها عمل به یک مورد کنایت نمی‌کند. در خاتمه بیان معهد اعلیٰ را بباد می‌آوریم که به

سهولت ما را در راه تعالیٰ روحانی، هدایت می‌نماید.

"... از آن جمله است اقامه صلوٰه يومیه، تلاوت آیات از صبح و شام، ذکر الله‌ابهی به مقدار ۹۵ مرتبه در شبانه روز، شرکت در ضیافات ۱۹ روزه، تبلیغ امرالله، مطالعه مستمر آیات و الواح الهیه و بالآخره کوشش مداوم در خدمت به امر الهی به طرق و وسائل ممکنه که خود فی حد ذاته یکی از اعظم وسایل ترقی و تعالیٰ حیات روحانی اهل بهاء محسوب می‌گردد.^{۱۰۲}

انتهی

منابع و مأخذ

- ۱- خطابات مبارکه نک جلدی - ص ۳۱
- ۲- سالنامه جوانان بهائی سال ۱۰۴-۱۰۵ بطبع
- ۳- پیام معهد اعلیٰ مورخ ۱۹۸۴ مطابق ۱۳۶۳ شمسی
- ۴- مجموعه جوانان ص ۶
- ۵- مجموعه جوانان ص ۶
- ۶- مجموعه جوانان ص ۷
- ۷- مجموعه جوانان ص ۷
- ۸- مجموعه جوانان ص ۹
- ۹- مجموعه جوانان ص ۱۰
- ۱۰- مجموعه جوانان ص ۱۰
- ۱۱- مجموعه جوانان ص ۱۱
- ۱۲- مجموعه جوانان ص ۱۴
- ۱۳- مجموعه جوانان ص ۱۵
- ۱۴- مجموعه جوانان ص ۱۵
- ۱۵- مجموعه جوانان ص ۱۶
- ۱۶- مجموعه جوانان ص ۱۷
- ۱۷- مجموعه جوانان ص ۱۷
- ۱۸- مجموعه جوانان ص ۱۸
- ۱۹- مجموعه جوانان ص ۱۸
- ۲۰- راهنمای جوانان ص ۸
- ۲۱- پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶، دستخط‌های بیت العدل اعظم ج ۱ ص ۳۲۹-۳۳۰
- ۲۲- پیام ۹ اکتبر ۱۹۶۸ - دستخط‌های بیت العدل اعظم ج ۲ - ص ۵۹-۶۰
- ۲۳- پیام ۲۸ اکتبر ۱۹۹۲ - نشریه عندليب شماره ۴۶
- ۲۴- پیام ۲۸ اکتبر ۱۹۹۲ - نشریه عندليب شماره ۴۶
- ۲۵- منتخبات نصوص مبارکه درباره تربیت بهائی ص ۱۷۹
- ۲۶- مفهوم حیات روحانی ص ۱۳
- ۲۷- کتاب مستطاب اقدس آیه ۱ و ۲
- ۲۸- مفهوم حیات روحانی ص ۲۴
- ۲۹- مفهوم حیات روحانی ص ۲۴
- ۳۰- مجموعه جوانان ص ۷۸
- ۳۱- مجموعه دستخط‌های معهد اعلیٰ ج ۲ ص ۱۴۴
- ۳۲- راهنمای جوانان ص ۱۰-۸
- ۳۳- مفهوم حیات روحانی ص ۹-۸

- ۲۴- مجموعه جوانان ص ۲۶
- ۲۵- اخلاقی بهائی ص ۱۷
- ۲۶- نمرنه حیات بهائی ص ۷
- ۲۷- نمرنه حیات بهائی ص ۲۵
- ۲۸- مجموعه جوانان ص ۲۹
- ۲۹- مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی ص ۹۴
- ۳۰- پیام منبع شهر الکمال ۱۵۰ بدیع
- ۳۱- مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی ص ۱۰۲
- ۳۲- گوهر یکنا ص ۳۲۷
- ۳۳- گوهر یکنا ص ۱۳۲
- ۳۴- گوهر یکنا ص ۱۳۷
- ۳۵- نظم جهاین بهائی ص ۶۷
- ۳۶- مجموعه جوانان ص ۹۱
- ۳۷- مجموعه جوانان ص ۸۹
- ۳۸- پیام منبع نوروز ۱۳۱ بدیع
- ۳۹- مجموعه جوانان ص ۹۲
- ۴۰- مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی ص ۸۹
- ۴۱- راهنمای جوانان ص ۱۳
- ۴۲- پیام معهد اعلیٰ مورخ جون ۱۹۶۶
- ۴۳- مکاتب ج ۸ ص ۲۲
- ۴۴- آهنگ بدیع سال ۱۳۵ بدبیع شماره ۱۱-۶ صفحه ۳۲۱
- ۴۵- درگه دوست ص ۲۷۲
- ۴۶- پیام بهائی شماره ۱۷۹
- ۴۷- گوهر یکنا ص ۳۰۱
- ۴۸- پیام بهائی شماره ۱۷۹
- ۴۹- پیام بهائی شماره ۱۷۹
- ۵۰- اخلاقی بهائی ص ۲۲۵
- ۵۱- حیات خانوارده تالینی از معهد اعلیٰ ۱۷۹
- ۵۲- پیام بهائی شماره ۱۷۹
- ۵۳- مکاتب ج ۸ ص ۱۷۹
- ۵۴- حیات خانوارده تالینی از معهد اعلیٰ ۱۷۹
- ۵۵- مانده آسمانی ج ۸ ص ۹۳
- ۵۶- پیام منبع مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۶۷
- ۵۷- راهنمای جوانان ص ۱۴
- ۵۸- ترقیع آگوست ۱۹۳۱ - مجموعه دستخطهای معهد اعلیٰ ج ۱ ص ۵۲۹

- ۶۹- پیام منیع نوروز ۱۳۱ بدیع
- ۷۰- راهنمای جوانان ص ۱۱
- ۷۱- اخلاق بهائی ص ۲۳۹
- ۷۲- پیام منیع ۲۱ آبریل ۱۹۸۲
- ۷۳- توقیعات مبارکه ۱۰۲-۱۰۹ بدیع ص ۹۱
- ۷۴- اخلاق بهائی ص ۲۳۷
- ۷۵- پیام منیع ۱۸ نوامبر ۱۹۹۱
- ۷۶- پیام منیع ۲۵ نوامبر ۱۹۸۷
- ۷۷- پیام منیع ۱۰ فروردین ۱۹۸۰
- ۷۸- پیام منیع ۲۸ مارچ ۱۹۹۱
- ۷۹- پیام منیع ۲۷ نوامبر ۱۹۹۰
- ۸۰- پیام منیع شهر الکمال ۱۵۰ بدیع
- ۸۱- پیام منیع ۱۰/۸/۱۹۸۹
- ۸۲- پیام منیع ۲۱ جون ۱۹۹۳
- ۸۳- پیام منیع ۱۰ فروردین ۱۹۸۰
- ۸۴- راهنمای جوانان ص ۹
- ۸۵- ظهور عدل الهی ص ۶۳
- ۸۶- ظهور عدل الهی ص ۶۳-۴
- ۸۷- پیام منیع ۲۱ شهر الرحمة ۱۳۰ بدیع
- ۸۸- انواره دایت - نامه مورخ ۳۲ جون ۱۹۵۱ از طرف حضرت ولی امراء به نفع می هندو پاستان و بر مدد آمده است .
- ۸۹- انواره دایت - نامه مورخ ۸ می ۱۹۷۹ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به مکن از اجابت .
- ۹۰- نمونه حیات بهائی
- ۹۱- توقیعات مبارکه ج ۳ ص ۱۴۸
- ۹۲- راهنمای جوانان ص ۷
- ۹۳- امر و خلق ج ۳ ص ۲۴۶
- ۹۴- مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی ص ۶۴
- ۹۵- مجموعه الواح مبارکه طبع مصر ص ۲۹۷
- ۹۶- مائدۀ آسمانی ج ۲ ص ۲۵
- ۹۷- حدائق مبتراق ص ۴۶
- ۹۸- گوهر بکنا ص ۱۰۲
- ۹۹- توقیعات مبارکه ج ۱ ص ۲۰۲
- ۱۰۰- نمونه حیات بهائی ص ۱۵
- ۱۰۱- دستخطهای معهد اعلیٰ ج ۱ ص ۱۱۷-۱۱۶
- ۱۰۲- پیام منیع مورخ ۱۹۹۱ آگسٹ